



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Applied Sociology

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 37, Issue 4, No.104, 2026, pp 129-162

Received: 28.10.2025 Accepted: 26.05.2026

Research Paper

Socio-Psychological Factors Affecting the Tendency towards Superstition (Case Study of Citizens Aged 15 Years and Older in District 15 of Tehran Municipality)

Zahra Taheri* 

Assistant professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran
z.taheri@soc.ikiu.ac.ir

Kowsar Habibi Tamijani

Master's student in Social Sciences Research, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran
kosarhabibi522@gmail.com

Introduction

The tendency towards superstition is a highly debated issue, the presence of which in society cannot be denied. Every culture harbors irrational beliefs related to warding off evil, attracting good fortune, or predicting the future. Over time, many of these superstitious beliefs have evolved; yet, they have neither disappeared completely nor are they likely to ever do so. In our country, the inclination towards superstitious beliefs has deep historical roots and has been widely prevalent since ancient times. Although most incidents and problems today can be addressed through a scientific approach, some individuals continue to cling to superstitions and transmit them to the next generation through processes of socialization and cultural internalization. This reality underscores the importance and necessity of research in this area, which should be conducted at various levels—whether local, regional, or national. This study aimed to explore and examine the roles of social and psychological factors contributing to the tendency towards superstition among citizens of Tehran.

Materials & Methods

This research employed a survey-based data collection method. In terms of objective, it was applied; in terms of depth, it was broad. The unit of analysis was the individual and the level of analysis was micro. Data analysis was performed using Amos23 and SPSS26 software. The study was conducted in District 15 of Tehran. The statistical population consisted of all citizens aged 15 years and older. A combination of random and accessible sampling methods was used, yielding a sample size of 284 individuals, which was calculated based on the Cochran formula. A researcher-made questionnaire was developed following the identification of relevant indicators for the research variables and the design of items. The face validity of the questionnaire was confirmed through expert judgment (i.e., reviewing and evaluating the questions based on feedback from expert judges) and its

reliability was established by using Cronbach's alpha coefficient.

Discussion of Results & Conclusion

The results provided a clear picture of the multifaceted and deep socio-psychological roots of superstition.

In examining the hypotheses, no relationship was found between the tendency towards superstition and the variables of religiosity (inspired by Malinowski's view) or modernity (Eisenstadt's view). This contrasted with previous studies that had identified religiosity and modernity as factors influencing the tendency—or lacked thereof—towards superstition. However, a positive and significant relationship was found between the level of tendency towards superstition and the following variables: fatalism (Rogers and Inkeles); level of feeling of insecurity (Malinowski, Inglehart, Jung and Freud, Maslow); level of anxiety (Malinowski and Wilson); and level

* Corresponding author

Taheri, Z., & Habibi Tamijani, K. (2026). Socio-psychological factors affecting the tendency towards superstition (Case Study of Citizens Aged 15 Years and Older in District 15 of Tehran Municipality). *Journal of Applied Sociology*, 37(4), 129-162. <https://doi.org/10.22108/jas.2026.147249.2723>



of failure (Maslow, Jung and Freud). These findings are consistent with existing research related to each variable.

Additional results of this study included a greater tendency towards superstition among women, a greater average difference among older individuals, a greater tendency among less educated people, and a greater tendency among low-income individuals.

Considering the overall results of the research, 3 key principles had to be emphasized:

a) The prevalence of fatalism: This acts as an obstacle to mental development and is a primary driver of superstition, serving as a defense mechanism for individuals who turn to metaphysical forces in the face of uncertainties and an inability to manage life.

b) The deterrent effect of conscious religiosity and the separation of religion from superstition: When religiosity is rooted in awareness, study, and reasoning, it becomes a strong defensive shield against illusions.

c) Existence of gender inequality and psychological vulnerability: Rooted in structural and social differences, psychological and emotional pressures, fewer opportunities, and socio-economic isolation can lead individuals to resort to metaphysical explanations for problem-solving.

Keywords: Superstition, Fatalism, Modernism, Religiosity, Feeling of Insecurity, Anxiety, Failure.

مقاله پژوهشی

عوامل اجتماعی - روانی مؤثر بر گرایش به خرافه‌گرایی (مورد مطالعه شهروندان ۱۵ سال به بالای منطقه ۱۵ تهران)

زهرا طاهری *، استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام‌خمينی (ره)، قزوین، ایران

z.taheri@soc.ikiu.ac.ir

کوثر حبیبی تمیجانی، دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران،

ایران

kosarhabibi522@gmail.com

چکیده

خرافه‌گرایی به عنوان بخشی از زندگی بشر از ابتدا تاکنون با وی همراه بوده است. در هر عصری این گرایش به اشکال متفاوت خود را نشان داده است و عوامل متعددی بر شدت و حدت آن اثرگذار بوده است. خرافه‌گرایی پدیده‌ای دیرینه و چندوجهی است که در جوامع معاصر باوجود پیشرفت‌های علمی، همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. این مقاله برآن است که با مرور پیشینه و نظریه‌های مرتبط با این حوزه، عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر آن را شناسایی و در بین نمونه‌ای از شهروندان تهرانی بررسی کند. پژوهش حاضر به صورت پیمایشی، در بین ۲۸۴ نفر از شهروندان منطقه ۱۵ تهران صورت گرفته است. روش نمونه‌گیری تصادفی و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS26 و Amos23 است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه میزان گرایش به خرافه‌گرایی با عوامل اجتماعی (شامل دینداری، تقدیرگرایی و نوگرایی) (با متغیر تقدیرگرایی معنادار و مستقیم و متغیرهای دینداری و نوگرایی بدون رابطه معنادار) به دست آمد و با مجموع عوامل روانی (شامل اضطراب، ناکامی و احساس ناامنی) همه این متغیرها ارتباط مستقیم و معنادار به دست آمد. برحسب گرایش به خرافه‌گرایی در بین متغیرهای زمینه‌ای (جنس، گروه‌های سنی، تحصیلات و درآمد)، نمره میانگین زنان بیشتر مردان، نمره میانگین بیشتر به کمتر در بین بیوه، مجرد و متأهل‌ها، نمره میانگین بیشتر افراد مسن‌تر در مقایسه با جوان‌ترها، نمره میانگین بیشتر کم‌سوادان در مقایسه با سوادترها و نمره میانگین بیشتر کم‌درآمدها در مقایسه با پردرآمدها به دست آمده است. در بررسی مدل رگرسیونی از بین متغیرهای مستقل، متغیر احساس ناامنی و جنسیت بیشترین تأثیر و با اثر مستقیم و به ترتیب متغیرهای اضطراب (اثر غیرمستقیم)، تقدیرگرایی (اثر مستقیم)، تحصیلات (اثر غیرمستقیم)، نوگرایی (اثر مستقیم)، سن (اثر مستقیم)، میزان ساعات استفاده از فضای مجازی (اثر مستقیم) و درآمد (اثر غیرمستقیم)، در تبیین متغیر وابسته نقش داشته‌اند. همچنین در مدل معادله ساختاری نیز، اثرگذاری عوامل اجتماعی بر گرایش به خرافه‌گرایی بیشتر از عوامل روانی بود.

واژه‌های کلیدی: خرافه‌گرایی، تقدیرگرایی، نوگرایی، دینداری، احساس ناامنی، اضطراب، ناکامی.

* نویسنده مسئول:

طاهری، زهرا و حبیبی تمیجانی، کوثر. (۱۴۰۵). عوامل اجتماعی - روانی مؤثر بر گرایش به خرافه‌گرایی (مورد مطالعه شهروندان ۱۵ سال به بالای منطقه ۱۵ تهران)، جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۷(۴)، ۱۶۲-۱۲۹. <https://doi.org/10.22108/jas.2026.147249.2723>



مقدمه و بیان مسئله

خرافات در فرهنگ معین به معنای سخنان بیهوده و افسانه و در فرهنگ فارسی عمید به معنای حدیث باطل، سخن بیهوده و یاوه است (جانعلی‌زاده چوبستی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۶). پژوهشگران علم روان‌شناسی، خرافه یا اعتقاد به موهومات را «گرایش یا استعدادی برای نسبت‌دادن بروز یک پدیده با توضیح طبیعی به عوامل سری یا فوق‌طبیعی یا باوری پذیرفته‌شده که درستی آن با علم ثابت نشده باشد» معنا کرده‌اند (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۹). هم‌اکنون باوجود رشد علمی و فنی در کشورهای مختلف حتی در کشورهای پیشرفته، در فرهنگ و سنت‌های اجتماعی آنها نشانه‌هایی از خرافات مشاهده می‌شود و بازار مشاغلی چون رمالی، طالع‌بینی و کف‌بینی رونق بسیاری دارد (فتاحی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۰۲؛ به نقل از عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). گرایش به خرافات یکی از بحث‌برانگیزترین مسائلی است که نمی‌توان وجود آنها را در جامعه منکر شد. این گرایش‌ات علل و عواملی نیز دارد که بررسی آنها شاید قدمی در از بین بردن این مسئله باشد؛ از جمله ترس و فشارهای محیطی که ناشی از هراس‌های انسان از شرایط مادی و روحی پیرامون اوست و این اندیشه‌ها در گذران سال‌ها سینه‌به‌سینه به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود و این استفاده همچنان ادامه دارد (وارینگ، ۱۳۷۱: ۶).

هر فرهنگی عقاید غیرمنطقی‌ای درخصوص دورکردن شر یا نزدیک‌کردن خیر یا پیش‌گویی آینده از قبیل بخت باز کردن دختران، شفادادن بیماران، افتادن مهر و محبت همسران به همدیگر و جلوگیری از حادثه بد و تصادف دارد. این عقاید غیرمنطقی با ثباتی نسبی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ ولی با گذشت زمانه بسیاری از این عقاید خرافی تغییر شکل داده است، اما به‌هیچ عنوان به‌طورکامل از بین نرفته و هرگز نخواهد رفت (پروا، ۱۳۹۶: ۴۵).

درواقع خرافات که از جهل و ناآگاهی انسان درباره پیوند علی موجود بین پدیده‌ها نشئت گرفته است، از زمان باستان وجود داشته و به گفته برخی منابع خاستگاه آن در بین‌النهرین

بوده است؛ اما به‌مرور زمان شکل منسجم‌تری به خود گرفته و در تمام جوامع بشری اعم از ملل شرق و غرب گسترش یافته است؛ به‌طوری‌که امروزه در عصر علم و فناوری نیز هنوز اعتقاد به برخی از این عقاید خرافی مشاهده می‌شود (عابدیان و نفی، ۱۳۹۵). کشورهای پیشرفته در صنعت و کشورهای عقب‌مانده، همه به‌نوعی آلوده به خرافات هستند. جالب اینجاست که بیشتر خرافات با آنکه شکل و ساختاری خاص و متفاوت از بقیه دارند، اما محتوا و حتی شکل مشابهی دارند. برآوردها حاکی از آن است که امروزه در بریتانیا شاید حدود دوهزار نفر فالگیر حرفه‌ای وجود دارد که همه دارای درآمد کلان هستند؛ گذشته از ستاره‌ها که درآمدشان سر به میلیون‌ها می‌زنند. در آمریکا در اوایل دهه ۶۰ بیش از هزار نشریه با نزدیک به بیست میلیون خواننده، ستون‌های طالع‌بینی داشتند. در انگلستان چندین مجله پاسخ‌گوی سلیقه‌های مختلف در حوزه پیشگویی و غیب‌دانی هستند. یکی از این نشریه‌ها هر ماه در ۵۰۰۰۰ نسخه منتشر می‌شود و تیراژ بقیه جزو اسرار است. ناشران کتاب‌های جلدکاغذی نیز سراغ ستاره‌ها رفته‌اند و گفته می‌شود که یکی از آنها چاپ اول مجموعه‌ای از کتاب‌های طالع‌بینی را در ۷۵۰ هزار نسخه انتشار داده است. نوع دیگری از خرافات که در اروپا رواج دارد، اعتقاد به افسون‌گری و جادوگری است که گاه در آلمان، فرانسه و به‌ویژه در جنوب ایتالیا نمونه‌هایی از آن مشاهده می‌شود (شریعتی و مهربانی، ۱۳۹۵).

گرایش به خرافات از منابعی مانند ابهام موقعیت ازجمله موقعیت‌های فردی و اجتماعی شکل می‌گیرد. هنگامی که مقدار تنش، فشار، اضطراب و بی‌اعتمادی اجتماعی افزایش می‌یابد، افراد مستعد دچار تردید و بی‌اختیاری می‌شوند. این موقعیت‌های مبهم درباره زنان، بیشتر صدق می‌کند؛ به همین دلیل برای خروج از این تنش و اضطراب به سراغ خرافه می‌روند (دهقانی و ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۲۰). مطالعات روان‌شناختی در حوزه خرافات نشان می‌دهد که معمولاً در مواقع حساس و لحظه‌هایی که عدم‌اعتماد و اطمینان به آینده وجود دارد، خرافات زاده می‌شود و مواجهه با مسائلی همچون تولد، مرگ،

جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری آن را به نسل بعد از خود منتقل می‌کنند؛ از این‌رو شناخت دقیق‌تر موضوع می‌تواند فرایند جامعه‌پذیری را با آگاهی بیشتری همراه سازد. پس با این اوصاف می‌توان پی به اهمیت و ضرورت چنین پژوهش‌هایی برد و لازم است که این مطالعات در هر نوع سطحی چه ملی، منطقه‌ای و... انجام پذیرد. محققان این پژوهش نیز تلاش دارند تا نقش عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر بررسی علل گرایش به خرافه‌گرایی را در بین شهروندانی تهرانی مطالعه و علل گرایش به آن را بررسی کنند. شهروندان تهران به‌عنوان شهروندان منطقه توسعه‌یافته و مدرن‌تر در مقایسه با سایر شهرهای کشور هستند و منطقه ۱۵ تهران به‌طور موردی یکی از پرتراکم‌ترین مناطق جمعیتی و دارای تنوع قومی زیاد بوده که هیچ‌گونه پژوهشی در این منطقه با این موضوع و متغیرها انجام نپذیرفته است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

برای شناخت عوامل مؤثر بر گرایش به خرافه‌گرایی ابتدا پیشینه‌های انجام‌شده در این حوزه مطالعه و سپس با بررسی نظریه‌های مرتبط با آن، فرضیات پژوهش از آن استخراج شد.

مرض، قحطی، فقر و حوادث طبیعی و ناشناخته‌هایی از این قبیل را به همراه دارد که همیشه برای بشر منبع اضطراب بودند و احساس شکست، ترس و خشم به دنبال داشته‌اند و چون هیچ‌کدام از اینها را آدمیزاد نمی‌توانسته از راه علم و منطق توجیه کند، به خرافات و اعتقادات رو آورده است تا از اضطراب و تشویش درونی رها شود و تسکین خاطر پیدا کند (عرب‌بیگی و بیجاد، ۱۳۹۷: ۸۹). خرافه‌پردازی با نادیده‌گرفتن ضوابط عقل فردی و جمعی بشری یا حتی انکار آن، راه را به‌سوی دالان‌های مهلک خرافه‌پردازی می‌گشاید (وکیلی، ۱۳۸۵: ۹۲). که متأسفانه در میان مردم کشور ما نیز گرایش به باورهای خرافی سابقه‌ای دیرینه دارد و از گذشته‌های دور استفاده از سحر و جادو برای درمان و حل مشکلات رواج بسیاری داشته است. از آنجاکه خرافه‌اندیشی (در حوزه نظر) سامان عقلی را دچار مشکل می‌کند و اعمال خرافی (در حوزه عمل و رفتار) سامان و ساختار زندگی فردی و اجتماعی را به انواع آسیب‌ها و آفات آلوده می‌کند، مطالعه آن اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین با توجه به اینکه امروزه بیشتر حوادث و مسائل را می‌توان با رویکرد علمی حل کرد و با نگاهی اندیشمندانه و عالمانه به آنها نگریست، هنوز برخی افراد به خرافات باقی‌مانده از نسل پیش از خود پایبندند و در فرایند

جدول ۱. پیشینه پژوهش

Table 1. Research background

محقق / سال	عنوان	نتایج
آزادبخت (۱۴۰۲)	بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر خرافه‌گرایی در بین شهروندان شهرستان کوهدشت	بین متغیرهای دینداری، سرمایه اجتماعی، یادگیری اجتماعی، احساس ناامنی، احساس محرومیت نسبی و کنش عقلانی با میزان خرافه‌گرایی رابطه معنادار وجود دارد؛ اما بین متغیرهای میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سرمایه فرهنگی، ازخودبیگانگی با میزان خرافه‌گرایی رابطه معناداری وجود نداشته است. همچنین میزان خرافه‌گرایی برحسب جنس، سن و تحصیلات تفاوت معناداری نداشته است؛ اما برحسب وضعیت تأهل تفاوت معناداری داشته است.
چاکری و همکاران (۱۴۰۱)	تأملی بر طلسمات دوره قاجار و اهمیت نقش زنان در شکل‌گیری و گسترش آنها	استفاده از خرافات (مانند بهره‌گیری از طلسمات) در جامعه سنتی، امری متداول بوده و تمامی اقشار اجتماعی، متناسب با وضعیت فرهنگی و اجتماعی خود، تاحدودی از آن استفاده می‌کردند. باوجود فراگیربودن این پدیده، شواهد تاریخی موجود بر تفاوت‌های جنسیتی در این زمینه دلالت دارد؛ به‌طوری‌که گرایش زنان به این اعتقادات در دوران قاجار به‌مراتب بیشتر بوده است.

محقق / سال	عنوان	نتایج
پرتو (۱۴۰۰)	بررسی رابطه برخی عوامل اجتماعی با گرایش به خرافات در بین زنان ۲۰ تا ۴۰ سال ساکن شهر جیرفت	بین متغیرهای دینداری، سن، احساس امنیت اجتماعی و تحصیلات با خرافه‌گرایی زنان رابطه معناداری وجود دارد.
عشایری و همکاران (۱۴۰۱)	مطالعه عوامل مؤثر بر گرایش به خرافات در بین شهروندان: فراتحلیل پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۷	اقوام لر و ترک بیش از سایر گروه‌های قومی، این تمایل را از خود بروز می‌دهند. افزون بر این، در زمینه تفاوت‌های جنسیتی، میزان گرایش زنان به خرافه فراتر از مردان است؛ این اختلاف به علل روانی، فیزیکی و تمایزات اجتماعی میان دو جنس بازمی‌گردد. از منظر مقایسه‌های شغلی، اقشار عمومی جامعه در مقایسه با ورزشکاران حرفه‌ای (بازیکنان فوتبال)، گرایش بیشتری به خرافه‌گرایی دارند؛ در نهایت، تحلیل جغرافیایی - زیست‌محیطی نشان می‌دهد که روستاییان تمایل بیشتری به تفسیر پدیده‌ها براساس خرافات دارند. این پدیده ناشی از عوامل متعددی چون جداافتادگی جغرافیایی، محدودیت‌های سرمایه فرهنگی، غلبه فرهنگ بومی (محلی‌گرایی) و پذیرش بالای عرف‌ها و سنت‌های کهن در توضیح امور اجتماعی است.
شیخ‌علیشاهی (۱۳۹۸)	عوامل اجتماعی فرهنگی مرتبط با گرایش به خرافات در بین زنان ساکن در مناطق حاشیه‌ای شهر یزد	متغیرهای وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری با میزان گرایش زنان به خرافات ندارد؛ درحالی‌که متغیرهای سن، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، نوگرایی، ازخودبیگانگی، رضایت از زندگی، یادگیری اجتماعی، محرومیت اجتماعی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی اجتماعی دارای رابطه معنادار با میزان گرایش زنان به خرافات است. میانگین گرایش به خرافات در سطح متوسط قرار داشت.
خاکپور (۱۳۹۹)	بررسی جامعه‌شناختی گرایش مردم تهران به خرافات به‌ویژه فال‌گیری و دعانویسی مردم استان تهران ۱۴ تا ۶۵ سال	مردم تهران گرایش‌های متفاوتی دارند. بیشتر گرایش‌های خرافی که در شهر تهران رایج است، همان فال‌گیری و دعانویسی است. گرایش‌های خرافی با درماندگی بشر و مشکلات زندگی افراد در رابطه‌ای درهم‌تنیده است. از آنجایی‌که مردم از راه‌های مرسوم علمی به مقصود نمی‌رسند، دست به دامان خرافه می‌شوند تا بتوانند آلام خود را هرچند به‌صورت موقت و حتی با امیدهای واهی ذره‌ای تسکین دهند و با فال‌گیری، دعانویسی و انواع خرافه درصدد حل مشکلات خود برآمده و به این طریق موجب رواج خرافه‌گرایی در جامعه مدرن نیز می‌شوند. وقتی این قدرت ماورایی نتواند کاری را انجام دهد، بیشتر موجب ناامیدی و احساس یأس در افراد می‌شود.
آذرمی و همکاران (۱۳۹۹)	تبیین رفتار خرافی براساس سبک‌های دلبستگی و اضطراب در دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا	اضطراب یکی از فاکتورهای تبیین رفتار خرافی در دانشجویان است. همچنین سبک‌های دلبستگی قادر به تبیین این رفتار هستند. حالت اضطراب نمی‌تواند رفتار خرافی را پیش‌بینی کند؛ اما اضطراب صفت قادر به پیش‌بینی این رفتار است. همچنین سبک دلبستگی اجتنابی می‌تواند رفتار خرافی را پیش‌بینی کند. سبک دلبستگی دوسوگرا بیشتر از سبک اجتنابی می‌تواند رفتار خرافی را پیش‌بینی کند. اضطراب به‌ویژه اضطراب صفت در ایجاد رفتار خرافی مؤثر است. افراد با اضطراب صفت، آمادگی زیادی برای انجام این رفتار دارند. همچنین سبک‌های دلبستگی ناایمن به‌خصوص دلبستگی دوسوگرا که بنا به تحقیقات با اضطراب رابطه زیادی دارد، در ایجاد این رفتار نقش دارد.

ناتج	عنوان	محقق / سال
در عصر قاجار دعانویس‌ها به‌منابۀ جریانی مهم با‌تکا به اوراد و ذکرها در قالب روش‌هایی خرافی عوارض جسمی و روانی مراجعین را معالجه می‌کردند. پذیرش این گروه نه‌تنها در میان توده‌های مردم، حتی نزد اعیان و درباریان نیز وجود داشت. عوامل متعددی زمینه‌ساز استقبال عمومی از ایشان بود که می‌توان به ضعف اقتصادی، ناکافی‌بودن زیرساخت‌های درمانی دولتی، عدم‌توسعه روش‌های نوین پزشکی، بدگمانی به طبای فرنگی و غلبۀ جهان‌بینی تقدیرگرا اشاره کرد؛ با این وجود، شیوۀ عملکرد و اقدامات این افراد پیامدهای منفی و مضری به دنبال داشت؛ ازجمله: شیوع امراض عفونی، تجویز داروهای پرخطر، بی‌توجهی به مسائل بهداشتی (ناشی از جبرگرایی) و اتلاف منابع مالی افراد به دلیل فریبکاری‌های مرتبط با فروش الواح و طلسمات.	نقش ادعیه و اذکار در طب و طبابت دورۀ قاجار	کریمی و رهنما (۱۴۰۰)
شرایط زمینه‌ساز متعددی شناسایی شده است که شامل فرایند اجتماعی‌سازی، اعتقادات مرتبط با دنیاهای مادی و غیرمادی، گرایش‌های روان‌شناختی خاص، تجددگرایی، مکانیزم‌های دعانویسی و فال‌گیری و تأثیر گروه‌های مرجع فرد است؛ در همین راستا، دو مقولۀ فضای تعامل و شیوه‌ها/ترفندهای خاص، به‌عنوان مقوله‌هایی با ماهیت کنش متقابل تعریف می‌شوند؛ علاوه‌براین، مهم‌ترین نتیجۀ (پیامد) رجوع به مراکز فال‌گیری و دعانویسی، رفع گرفتاری‌ها و مواجهه با برخی ضررهای محتمل است؛ درنهایت، با اتصال و ارتباط‌دادن تمام مقوله‌های به‌دست‌آمده، مفهومی مرکزی با عنوان «درماندگی و اعتقادات ماوراءالطبیعه» شکل گرفت.	زمینه‌ها و پیامدهای بهره‌گیری از دعانویسی و فال‌گیری مطالعۀ نمونه‌ای از زنان تحصیل‌کرده شهر رشت	افلاکی عربانی و همکاران (۱۳۹۹)
پدیده خرافه‌گرایی به پیامدهای منفی ذهنی ازجمله تقدیرگرایی، وابستگی فکری و تأثیرگذاری منفی بر ذهن آزمون‌شوندگان منجر می‌شود. همچنین ازجمله متغیرهای تأثیرگذار بر خرافه‌گرایی احساس ناتوانی، پیشینه خانوادگی (تجربۀ آموخته‌شده)، نظام مردسالاری حاکم بر فضای جامعه و بی‌هنجاری است.	مطالعۀ خرافه‌گرایی در میان دانشجویان با رویکرد کیفی	عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)
رابطۀ امنیت روانی و اجتماعی با گرایش به خرافات در زنان و مردان قومیت‌های مختلف، مقاطع تحصیلی و افراد شاغل و بیکار متفاوت بود که دراین میان، زنان، افراد بیکار، مقطع کارشناسی و قوم لر گرایش بیشتری به خرافات نشان دادند.	مطالعۀ امنیت روانی و اجتماعی با گرایش به خرافات؛ مورد مطالعۀ دانشجویان دانشگاه اصفهان	دهقانی و ابراهیمی (۱۳۹۸)
پیوند آثار ادبی خمسۀ خواجه‌ی با فرهنگ عامه و ادامۀ بسیاری از این باورهای خرافی در جامعۀ معاصر که از این نظر انسان معاصر تفاوتی با انسان گذشته ندارد. همچنین بسیاری از باورهای مردمی بیشتر جنبۀ آیینی و مذهبی داشته و به‌تدریج با تکامل مذاهب بشری، ریشه‌های دینی باورها به فراموشی سپرده شده است؛ اما از رواج آنها در میان ملت‌ها کاسته نشده است.	بازتاب آیین‌ها، خرافات و باورهای عامیانه در خمسۀ خواجه‌ی کرمانی	افاضل (۱۳۹۷)
شرایط زمینه‌ای اشاره به بحران‌های زندگی فرد دارد که فرد به دنبال رفع آن است. درماندگی و تلاش‌های ناکام افراد، شرایط علی را به وجود می‌آورد که فرد را ناگزیر از مراجعه می‌سازد. شرایط مداخله‌گر به‌صورت کاتالیزورها و موانع مراجعه در میدان عمل می‌کند. مقولۀ هستۀ پژوهش نیز (باورمندی مشروط - منفعلانه) است؛ بدین ترتیب در سیستم معنایی افراد، فال به‌صورت امری مشروط به فرد، زمان و دیگری و همراه با نوعی انفعال معنا شده است.	ارائۀ یک مدل پارادایمی از مراجعه زنان فال‌گیر در شهر زاهدان	ظهیری‌نیا و همکاران (۱۳۹۷)

محقق / سال	عنوان	نتایج
قادرزاده و غلامی (۱۳۹۴)	تحلیل تجربه‌های زنان سنندجی از فال‌گیری (مطالعه کیفی و پیامد فال‌گیری)	زنان به دلایلی چون روزمرگی، آینده‌نگری، فشار هنجاری و فقدان حمایت اجتماعی به فال‌گیری روی می‌آورند. در این میان مدرن‌شدن و روانکاوانه شدن فال‌گیری به عنوان شرایط مداخله‌گر و فردی شدن باورها و کلیشه‌های جنسیتی به عنوان زمینه تسهیل‌گر عمل می‌کند. بر مبنای تجربه و ادراک زنان، مراکز فال‌گیری در کنار کارکردهای مشکل‌گشا و فراغتی به نوعی پاتوق زنانه مبدل شده است. زنان تخلیه روانی، افسون‌زدگی زندگی و احساس ندامت را از مهم‌ترین پیامدهای مراجعه به فال‌گیری تلقی می‌کنند. مقوله هسته استخراج‌شده از تجربه و درک زنان از فال‌گیری بر ناامنی زندگی دلالت دارد.
ربیعی (۱۳۹۴)	توسعه اجتماعی - اقتصادی و تأثیر آن بر تلقی افراد از چیستی خرافات؛ مطالعه موردی شهرستان‌های استان اصفهان	برای سطوح مختلف توسعه، تفاوت‌هایی جدی در تلقی افراد از چیستی خرافات وجود دارد و وجه تمایز اصلی آن‌ها در نسبت‌های به‌دست‌آمده «اعتقادات مذهبی» است. ساکنان شهرستان‌های دارای سطح توسعه اجتماعی - اقتصادی عالی‌تر بیش از سایر شهرستان‌ها باورهای مذهبی و مناسک مذهبی شهرستان محل سکونت خود را بازاندیشی و نقد می‌کنند. در شهرهای توسعه‌یافته‌تر، بُعد مناسکی دینداری تضعیف شده است؛ اما درباره مواردی مانند نذر و سابقه دیدن جن تفاوتی میان سطوح مختلف توسعه وجود ندارد. درواقع یکی از مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق این است که اگرچه بر اثر فرایند توسعه ممکن است بُعد مناسکی دینداری در بخش‌هایی از جامعه تضعیف شود، دست‌کم در ایران جهان‌بینی کلی افراد همچنان مبتنی بر بنیادهای متافیزیکی خداپاورانه باقی خواهد ماند.
عزیزخانی و همکاران (۱۳۹۴)	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به خرافات در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل	در مقایسه میان دو جنس، سطح گرایش زنان به خرافه‌گرایی به‌صورت معنی‌داری از مردان بیشتر است. همچنین همبستگی معکوس و معناداری میان تجددگرایی و گرایش به خرافات مشاهده می‌شود. این یافته‌ها همچنین نشان داد که افراد دارای شغل به‌طور محسوس‌تر و معنی‌دارتر از افراد فاقد شغل به خرافات گرایش دارند. نکته دیگر آن است که هر چقدر سن افراد بیشتر می‌رود، از میزان تمایل آنها به خرافه‌گرایی کاسته می‌شود؛ درنهایت، درجات مختلف تحصیلات آکادمیک، تفاوت‌های درخور ملاحظه‌ای را در میانگین گرایش به خرافه به وجود آورده است.
وثوقی و خواجه‌زاده (۱۳۹۳)	بازنمایی جادو در سبک‌های نوین زندگی با تأکید بر گسترش حوزه خصوصی (مطالعه موردی زنان شهر دزفول)	زنان گرچه برای رفع مشکل به جادو روی می‌آورند، به جادو بیشتر به چشم نوعی فراغت و سرگرمی نگاه می‌کنند که درواقع یک انتخاب در میان انتخاب‌های ممکن است. سرخوردگی از حوزه عمومی و پناه‌بردن به حوزه خصوصی و فریب‌شدن این حوزه از عوامل پدیداری جادو در عصر معاصر است.
عابدیان و نفری (۱۳۹۵)	عوامل مؤثر بر خرافات زنان در شهر خوراسگان	محرومیت و به حاشیه راندن زنان و نادیده‌گرفتن توان و استعدادهاى آنان ازسوی جامعه ازجمله عواملی است که زنان بیش از مردان برای حل مشکلاتشان به‌ناچار به خرافات روی می‌آورند.
فروغی و عسگری‌مقدم (۱۳۸۸)	بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی	افرادی که نحوه ارتباط و نزدیکی بیشتری با نوگرایی، خردگرایی، علم‌ورزی و تجربه‌گرایی دارند (نظیر تحصیلات عالی‌تر، تولد و مدت اقامت بیشتر در شهرهای بزرگ‌تر، مشاغل امروزی‌تر) و به‌طورکلی درگیری بیشتری با شرایط جامعه مدرن دارند، تمایل کمتری به عقاید خرافی دارند. همچنین مردان کمتر از زنان و منطقه یک کمتر از سایر مناطق بیست و دوگانه شهر تهران به عقاید خرافی گرایش دارند.

محقق / سال	عنوان	نتایج
افشانی و احمدی (۱۳۸۸)	میزان نوگرایی و گرایش به خرافات در شهر یزد	از آنجایی که برخی از والدین، خود حامل و پیرو عقاید خرافی هستند، نمی‌توان توقع داشت که این گروه علاوه بر دست‌کشیدن از باورهای خود، در اصلاح دیدگاه فرزندان‌شان نیز مؤثر واقع شوند. تنها خواسته واقع‌بینانه از این خانواده‌ها، فراهم کردن بستر مناسب برای ادامه تحصیل فرزندان است. با این امید که نسل جدید بتواند با کسب دیدگاه‌های علمی، عقلانی، فردمحور، نقادانه و دموکراتیک تمایز میان واقعیت و خرافه را تشخیص دهد. نتایج حاصل از این تحقیق تأکید می‌کند که تجددگرایی و پیشرفت اجتماعی، ظرفیت کاهش میزان خرافه‌گرایی را در میان اشخاص داراست.
Suganda et al. (2020)	رفتار خرافی و بازده سهام، مطالعه موردی: تقویم سنتی جاوهای	برخی از مردم اندونزی که هنوز به آیین‌های سنتی وابسته هستند، اغلب چندین روز را در تقویم جاوهای خود به‌عنوان روزهای مقدس علامت‌گذاری می‌کنند. هدف این مطالعه خرافات روی روزهای مقدس بود. یافته‌ها نشان داد که تصمیمات سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران هنوز تحت تأثیر خرافات است که به سوگیری رفتار منجر می‌شود.
Alexander & Costandius (2020)	شناخت تشریفات مذهبی و خرافی در زمینه آموزش عالی: مطالعه موردی دانشگاه استانبول در آفریقای جنوبی	باورها و آیین‌های خرافی و مذهبی دانشجویان در پاسخ آنها به درس، حتی در صورت تلاش برای دور شدن از آموزش سنتی دینی ظاهر می‌شود. تجارب دانشجویان شامل تعامل با آیین‌های مذهبی آفریقا، تأثیرات فال‌ها و استفاده از مناسک برای موفقیت تحصیلی بود.
Antipov Pokryshevskaya & (2020)	تأثیر باورهای خرافی بر زمان ازدواج و زایمان: شواهدی از دانمارک	بررسی باورهای خرافی مربوط به اعداد بود. نتایج نشان داد مردم در دانمارک به اعداد ۷ و ۹ نگرش مثبت و از عدد ۱۳ برداشت منفی دارند. همچنین برخی از مناسبات هم باورهای مخصوص به خود را داشت؛ برای مثال ۲۹ فوریه و ۱ آوریل برای عروسی مطلوب بود؛ اما برای زایمان این‌گونه نبود.
Sultana et al. (2019)	خرافات مرتبط با بارداری	خرافه‌گرایی در بنگلادش زیاد است. در این مطالعه افرادی که دارای سواد کم و وضعیت ضعیف اقتصادی بودند و از نظر مذهبی دین هندو داشتند، گرایششان به خرافات بیشتر بود. یکی از تأثیرات خرافات به‌خصوص در کشورهای درحال توسعه مثل بنگلادش خطرات بهداشتی است. همچنین یافته‌ها نشان داد دو عامل عمده در تولید و تکثیر خرافات، فقر و بیکاری است. ناامیدی ممکن است رابطه‌ای بین شرایط عدم اطمینان و استفاده از رفتارهای خرافی باشد؛ به بیان دیگر شرایطی باعث ایجاد ناامنی و تردید می‌شود که در نهایت ممکن است فرد را به سمت رفتارهای خرافی سوق دهد. این ناامیدی، خوب یا بد، فرد را برمی‌انگیزد تا برای تسکین خود دست به رفتارهای خرافی بزند.
Hannan (2019)	بسیار خرافاتی: رابطه بین ناامیدی و رفتار خرافاتی	بیشتر تایوانی‌ها به ماه ارواح معتقدند که براساس آن، در این ماه ارواح وارد دنیای زندگان می‌شوند که حضور آنها خطرات ناشی از تصادف‌ها را افزایش می‌دهد؛ در نتیجه، معتقدان به این باور در این ماه از کارهایی همچون مسافرت، شتا، ترک خانه پس از غروب آفتاب، رویدادهای مهم اجتماعی و حتی جراحی‌ها خودداری می‌کنند؛ زیرا ارواح به دنبال جسد قربانیان هستند تا دوباره متولد شوند. این مسئله باعث شد تا در استفاده از مراقبت‌های بهداشتی ضعیف عمل کنند یا آن را به تعویق اندازند که ممکن است سلامتی آنها را به خطر اندازد.
Halla et al. (2019)	تأثیر خرافه بر سلامتی، شواهدی از ماه ارواح ارواح تایوانی	

محقق / سال	عنوان	نتایج
An et al. (2019)	مقیاس خرافات هند: ایجاد اقدامی برای ارزیابی خرافات هند	باوجود توانایی انسان برای تفکر منطقی، مردم هند از خرافات مصون نیستند. خرافات به‌ویژه در هند به‌شدت با اعمال فرهنگی گره خورده است.
Sriram (2018)	بررسی برنامه‌های تلویزیونی که خرافات و تأثیر آن بر بینندگان را به تصویر می‌کشد.	۵۰ درصد مردم هنوز به خرافات اعتقاد دارند. افراد غیرمؤمن به تماشای مطالب مربوط به خرافات اهمیت نمی‌دادند و آن را صرفاً سرگرمی می‌دانستند؛ اما مؤمنان علاقه زیادی به این برنامه‌ها با محتوای خرافاتی داشتند. تلویزیون باوجود آگاهی‌دادن، خرافات را در بین مردم افزایش داده است.
Faiza (2018)	مروری بر پژوهش‌های عوامل اجتماعی - روانی اثرگذار بر خرافه‌گرایی	اعتقادات خرافی بسیار گسترده است و نیز در پس‌زمینه خرافات، پیشینه‌های اجتماعی هم وجود دارد. خرافات تأثیر منفی و مثبتی بر سلامت روان‌شناختی افراد می‌گذارد. همبستگی‌های جمعیت‌شناختی و عوامل روانی و اجتماعی مرتبط با رفتارهای خرافی در مقالات مختلف بیانگر این موضوع بود که خرافات به بهبود کلی روان‌شناختی افراد کمک می‌کند.
Preeti et al. (2017)	باورهای خرافی و خوشبختی: مطالعه همبستگی بزرگ‌سالان جوان	وضعیت اقتصادی و اجتماعی در گرایش به رفتار خرافی تأثیرگذار است. اختلاف بین زن و مرد برای باور خرافی تا حد درخور توجهی رسید. شرکت‌کنندگان روستایی در مقایسه با مشارکت‌کنندگان شهری از نظر اعتقادات خرافی تفاوت داشتند. یافته‌ها میزان شادی بیشتری را در زنان در مقایسه با مردان نشان داد.
Mutlu et al. (2016)	تجزیه‌تحلیل برخی رفتارهای خرافی دانشجویان ورزشکار	خرافات و رفتارهای ورزشکاران زن بیشتر از ورزشکاران مرد بود. همچنین از لحاظ سن، درک اهمیت موفقیت در ورزش و کلاس‌ها تفاوت معنی‌داری در باورهای خرافی مشاهده نشد. نتایج همچنین نشان داد که تحصیلات ورزشی نتوانسته باورهای خرافی را در ورزشکاران کاهش دهد.

مأخذ: نگارندگان

چارچوب نظری

خرافات به عقاید باطل و غیرواقعی گفته می‌شود که ریشه دینی و عقلانی ندارد. در لغت‌نامه‌های معتبر انگلیسی برای تعریف خرافات از واژه‌هایی مانند غیرعقلانی، غیرعلمی، ترس، ابهام، نادانی و غیره استفاده می‌شود که بر این اساس خرافه یک معرفت و باور نادرست و غلط معرفتی می‌شود (Collins Dictionary, n.d).

درباره ماهیت خرافه و علل پدیدآمدن آن تاکنون مباحث زیادی مطرح شده است. انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی از دانش‌هایی بوده است که هریک از دریچه‌ای متفاوت، علل گرایش انسان‌ها را به باورهای خرافی بررسی کرده‌اند (ربیع، ۱۳۹۴).

باورهای خرافی مؤلفه‌ای تفکیک‌ناپذیر از فرهنگ تمامی جوامع محسوب می‌شود که در طول تاریخ متمادی و در قالب‌ها و متدهای متنوع به بقا و پایداری خود ادامه داده است. تداوم این اعتقادات درحالی صورت می‌گیرد که عصر کنونی مملو از پیشرفت‌های چشمگیر در علم، فناوری، صنعت، تسلط روزافزون بشر بر محیط‌زیست و حجم انبوه اطلاعات و کشفیات علمی است. باوجود آنکه غالباً نادرستی این باورها از طریق شیوه‌های علمی ثابت شده است، بخش چشمگیری از مردم همچنان به آنها معتقد و پایبند باقی مانده‌اند (دهقانی و ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۱۰۰).

مالینوفسکی معتقد است که دین و جادو در حوزه امور مقدس جای می‌گیرند؛ زیرا هر دو دارای خصیصه احترام و

سازمان‌یافته دیگری وجود ندارد و از آنجاکه در فرهنگ سنتی، نظام باورها نظامی بیمار است، افراد این جوامع توانایی ترک چنین نظامی را ندارند و حتی قادر به دوری از آن هم نیستند. برای جوامع بسته که با جهان خارج ارتباطی ندارند، قانع‌کننده است، درحالی‌که در جامعه‌هایی که از نظر علمی پیشرفته‌اند، افراد جامعه به انواع برداشت‌های فکری دسترسی دارند. تداوم خرافه‌گرایی به باورها و شرایط خاص آن افراد بازمی‌گردد و درواقع پاسخ به نیاز افراد در شرایط مبهم است.

از نظر گیدنز^۲ (۱۳۷۹) انسان تا قبل از عصر روشنگری توانایی تسخیر آینده را نداشت و همواره آینده‌اش شبیه به گذشته‌اش بوده و کنترل زمان و مکان را نداشته است. به دلیل اینکه بشر تحت تأثیر سنت‌ها بود، زندگی نسل‌های مختلف تقریباً شبیه به یکدیگر می‌شد؛ اما در عصر جدید انسان به دنبال تسخیر زمان و مکان و ساختن آینده همان‌طور که می‌خواهد است. ایده ریسک در جامعه‌ای ظهور می‌کند که به کنترل آینده نظر می‌افکند. در گذشته بشر منفعلانه با سرنوشتش روبه‌رو می‌شد؛ اما امروزه انسان به‌صورت فعال خود را درگیر سرنوشت می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۹). اکنون با در نظر گرفتن تفاوت‌های خرافه‌گرایی در دنیای گذشته و معاصر می‌توان چنین نتیجه گرفت که علت گرایش افراد در دنیای معاصر به خرافات نتیجه تلاش بشر به منظور مدیریت ریسک‌هایی است که ناچار است در آینده‌ای که برای خود تصور کرده است، با آنها روبه‌رو شود. در گذشته خرافات بیشتر برای تبیین پدیده‌هایی از جمله خسوف، کسوف، بیماری و مرگ بوده است. اما امروزه بشر برای کنترل زمان به فال‌گیری و جادوگری متوسل شده است. امروزه سرنوشت انسان‌ها تا حد زیادی به دست خودشان است که این امر باعث می‌شود او از مکانیسم‌های گوناگونی برای کاهش ابعاد منفی این ریسک استفاده کند و آن را برای خود پیش‌بینی‌پذیرتر کند (اسکندری، ۱۳۹۴). پیش‌بینی جامعه‌شناسانی

شگفتی هستند؛ بااین‌حال، او میان این دو تفکیک قائل می‌شود: سحر و جادو را به اهداف محسوس و نتایج عینی مرتبط می‌داند، در صورتی‌که آیین‌های دینی فاقد مقصود یا غایت خاص هستند و صرفاً به دلیل ماهیت وجودی خود به اجرا درمی‌آیند. وی برای هر دو (دین و جادو) نقش یکسان «تخلیه‌کننده هیجانی» را قائل است و منشأ مشترک آنها را تنش‌ها و فشارهای احساسی می‌داند که باید بشر را از دام آنها برهاند. از آنجاکه حیات انسان مملو از نااطمینانی و آشفتگی است، نیاز اجتناب‌ناپذیر انسان‌ها برای مقابله با این فشارهای روانی موجب گرایش به دین و جادو می‌شود (مالینوفسکی، ۱۳۹۸: ۳۷). به عبارتی از دید مالینوفسکی «انسان زمانی به جادو روی می‌آورد که نتواند شرایط زندگی و اتفاقات را از طریق دانش مهار کند»؛ به بیان دیگر هر جا که تصادف و شرایط زندگی در کنترل دانش بشر نباشد، احتمال این وجود دارد که بشر بیشتر به جادو متوسل شود (درودی، ۱۳۸۸: ۱۸۳).

در پارادایم سنتی منتقدان و نخبگان، گرایش به خرافات و جادو و جنبل را کرداری نابالغانه از بشر و ناشی از ضعف و نقص علم و عقل می‌دانستند؛ اما در عصر جدید و رویکرد عقل‌گرایانه در برابر حل مسائل، انتظار است این گرایش کم‌رنگ‌تر یا نابود شده باشد؛ ولی مطالعات زیادی هنوز به وجود خرافه‌گرایی در جوامع مدرن پرداخته است. هورتون^۱ که در پژوهش خود به شباهت‌ها و پیوستگی‌های آشکار بین تفکر سنتی و اساطیری آفریقاییان و تفکر علمی غربی پرداخته است، به دنبال پاسخی برای این سؤال است که چرا در عصر حاضر با وجود تماس‌های گسترده فرهنگی و تغییرات سریع اجتماعی که باعث دسترسی به شیوه‌های مختلف می‌شود، همچنان مردم دست از عقاید کهنه خود بر نمی‌دارند (جاهودا، ۱۳۷۱: ۱۸۶-۱۸۵). وی مانند پیشینیان خود مهم‌ترین وجه اختلاف این دو شیوه تفکر را این‌چنین تشریح می‌کند که چون در جوامع سنتی در برابر عقاید و باورهای سنتی، نظام

² Anthony Giddens

¹ Robin W.G. Horton (1932 – 2019)

چون کنت و وبر دربارهٔ اینکه تاریخ بشر به سمت کاهش باورهای غیرمنطقی ازجمله خرافات و جادو پیش خواهد رفت، چندان به واقعیت نپیوسته است. خرافات و باورهای غیرعقلانی در میان فرهنگ‌های مختلف تداوم دارد و این باورها در لایه‌های زیرین تفکر اجتماعی هر جامعه همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۷۵).

نوگرایی از تفاوت‌های عمدهٔ انسان سنتی و مدرن است. لوی برول^۱ (۱۳۷۱) معتقد است در جوامع سنتی، تفکر عاطفی، شاعرانه و اساطیری حاکم است. از آنجاکه خود و جهان خارج هرگز جدا نمی‌شوند، مذهب، زبان و فرهنگ قومی دست‌به‌دست هم می‌دهند تا ذهن فرد را به گونه‌ای رشد دهند که پذیرای تداوم خرافات باشد؛ بنابراین، مفاهیم رمزی - جادویی بر سراسر زندگی و تفکر فرد حاکم است؛ اما در جوامع علمی که بر خردگرایی تکیه دارد، اندیشهٔ اولیه کنار گذاشته می‌شود و به جداسدن خود از محیط و تشکیل جهان عینی کمک می‌کند (جاهودا، ۱۳۷۱: ۱۸۴).

در حوزهٔ نوسازی و تقدیرگرایی و رابطهٔ آن با خرافه‌گرایی، می‌توان از دیدگاه‌های آیزنشتات^۲ و برگر^۳، اینکلس و اسمیت^۴، راجرز^۵ و اینگلهارت^۶ سخن گفت. آیزنشتات (۲۰۰۰) معتقد است که باورهایی براساس تئوری کلاسیک مدرنیزاسیون وجود دارد که خرافه‌گرایی را مانع پیشرفت و توسعه می‌داند. در صورتی که اگر باور خرافی در جامعه‌ای تأیید شود، به عنوان عنصر ضد توسعه برای آن جامعه تلقی نمی‌شود و حتی ممکن است به نوگرایی و ادامهٔ روند توسعه منجر شود. تحقق این امر در فرایند گره‌خوردن توسعه با مدیریت جامعه و ارکان قدرت است (Eisenstadt, 2000).

همچنین از نظر برگر (۱۳۹۴) انسان مدرن از هویتی باز و

اندیشنده برخوردار است و چون در معرض تجربه‌های مختلف است، به او این اجازه را می‌دهد تا به باورهای فاقد بنیاد تجربی و یقینی پشت پا بزند (برگر و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۶-۸۳). اگرچه برگر (۱۹۹۷) در آثار متأخر خود دست‌کم در ارتباط با باورهای دینی و مقولهٔ دینداری محتاط‌تر صحبت می‌کند و از نظرات اولیهٔ خود قدری عدول می‌کند و بین کاهش در میزان دینداری سنتی و کاهش در سطح کلی دینداری در جهان تفاوت قائل می‌شود. در واقع به نظر برگر (۱۳۹۴)، جهان معاصر همچنان افسون‌زده است و روندهای مدرنیزاسیون به این سادگی این وضعیت را تغییر نمی‌دهد؛ اما در نهایت به نظر وی هویت مدرن بر هویت سنتی می‌چربد و انسان سنتی بیشتر در موضعی تدافعی قرار دارد تا تهاجمی یا حتی برابر (برگر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۴ و ۱۲۴-۱۳۰؛ برگر و لوکمان، ۱۳۷۵: ۱۴-۱۴۹).

از نظر اینکلس و اسمیت (۱۹۷۴)، در مقابل جوامع نوگرا، انسان‌ها در جوامع سنتی محکوم به جمود فکری، هراسان از نوآوری، اسیر سرنوشت، بی‌اعتماد و ناآشنا به جهان خارج، فاقد روحیهٔ سودمندانه و به شدت وابسته به اقتدار سنتی هستند. انسان سنتی منفعل، فاقد همت بلندپروازانه، ناتوان برای تغییر سرنوشت و بی‌اهمیت به آموزش است (Inkeles & Smith, 1974: 84). آنها نوگرایی را در نوسازی انسان می‌دانند. در واقع آنان انسان مدرن را کسی می‌دانند که رشد و توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را مهیا می‌کند و به مثابهٔ آن خصوصیت‌هایی را به او نسبت داده‌اند. آنان برخی از ارکان محیطی را در فرم مؤلفه‌هایی مانند شهرنشینی، تعلیم و تربیت، وسایل ارتباط جمعی، صنعتی‌شدن، سیاسی‌شدن کار در کارخانه و غیره می‌بینند. اینکلس و اسمیت (۱۹۷۴) نقطهٔ مقابل جوامع مدرن و نوگرا و در واقع انسانی را که در جوامع سنتی زندگی می‌کند، محکوم به جمود فکری است، فاقد روحیهٔ سودمندانه، تقدیرگرا، گریزان از نوآوری، بدون اعتماد و همچنین غریبه با جهان خارج و به شدت پایبند به سنت است. او اثرپذیر، بدون ارادهٔ بلندپروازانه و فاقد توانمندی در

¹ Levy-Bruhl

² Eisenstadt

³ Berger

⁴ Inkeles, & Smith

⁵ Rogers

⁶ Inglehart

جهت تغییر قسمت و تقدیر است و همین‌طور برای آموزش ارزشی قائل نیست. اینکلس و اسمیت (1974) دربارهٔ وسایل ارتباط جمعی نیز بر این باور است که آنهایی که در معرض وسایل ارتباط جمعی قرار گرفته‌اند، دیدگاه نوتری دارند (Inkeles & Smith, 1974: 84).

از نظر راجرز (1962) تقدیرگرایی به بخشی از ادراک فرد بر فقدان توانمندی در ارتباط با مهار آینده اشاره دارد و فاصله گرفتن از نوگرایی می‌تواند باعث افزایش گرایش به خرافات شود. طبق تحقیقاتی که راجرز به‌طور تجربی در بین دهقانان و کشاورزان انجام داده است، دهقانان تقدیر را عامل تعیین‌کننده در شوربختی و همین‌طور نیک‌بختی‌های خود می‌دانند. او بر این اعتقاد است که دهقانان در مهار رویدادهایی که در آینده رخ می‌دهد و پیش روی آنها است، دارای دیدگاه‌هایی مانند عدم تصمیم‌گیری، بدبینی، تسلیم، صبر، تساهل و مدارا هستند و این کیفیت‌ها مسبب می‌شود که دهقانان از قبول تغییر سرباز زنند. کشاورزان بر این باورند که تلاش برای مقابله با نیروهای طبیعی با هدف ارتقای کیفیت زندگی، کاری طاقت‌فرسا است؛ به همین دلیل، هرگاه که خودشان یا همسایگان‌شان به پیشرفتی در زندگی نائل می‌شوند، آن را ناشی از دخالت نیروهای فرامادی تلقی می‌کنند. او بر این عقیده است که نحوهٔ نگرش کشاورزان درخصوص مدیریت وقایع آینده با خصوصیات همچون انفعال، بدبینی، پذیرش، شکیبایی، انعطاف و اجتناب همراه است؛ درنهایت، این تحلیل به این جمع‌بندی می‌رسد که چنین اعتقاداتی در میان ساکنان روستا عامل سوق دادن آنها به سمت خرافه‌گرایی است (Rogers, 1962) به نقل از فروغی و عسگری‌مقدم، ۱۳۸۸). به اعتقاد راجرز (1962) کسانی که تغییر را به‌سرعت می‌پذیرند، از دیگران جوان‌تر، ثروتمندتر و دارای جایگاه اجتماعی عالی‌تر هستند.

به نظر اینگلهارت (2016) امنیت برای سعادت انسان مهم است و احساس امنیت اجتماعی و روانی برای رشد و توسعهٔ

جامعه ضروری است. توسعهٔ اجتماعی مستقیماً بر حس امنیت تأثیر دارد (Inglehart, 2016: 10). افزایش احساس امنیت، ارزش‌های سنتی (شامل خرافات) را کم‌رنگ می‌کند و ارزش‌های عقلانی جای آن را می‌گیرد. سطوح پایین رضایت و اعتماد به بیگانگی و آنومی منجر می‌شود (Inglehart, 1999: 88؛ خالقی‌فر، ۱۳۸۱: ۱۰۱).

مفهوم پایگاه اجتماعی - اقتصادی یکی از مهم‌ترین متغیرهای مستقل برای تحلیل رفتارها، نگرش‌ها و موقعیت افراد در سلسله‌مراتب اجتماعی است و نقش تعیین‌کننده‌ای در خرافات دارد. طبقات اجتماعی زمانی که توانایی حل مسائل خود را ندارند و سطح بینش اجتماعی ضعیفی دارند، به تولید باورهای غیرعقلانی روی می‌آورند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۸۲).

هوگارت (۱۳۷۱) در کتاب *فوائد سواد* رواج خرافات را در طبقهٔ کارگر بررسی کرده است و می‌گوید خرافاتی مانند خوش‌شانسی، رؤیاها و سلامتی در همهٔ ابعاد زندگی نفوذ کرده است. او معتقد است افراد طبقهٔ کارگر به خرافات می‌خندند و خود را عاری از آن می‌دانند؛ اما در عمل همان مسیر مشخص‌شده را طی می‌کنند. نتیجه‌گیری او این است که طبقهٔ کارگر بیشتر به خرافات می‌پردازد؛ زیرا سواد کمتری دارد (جاهودا، ۱۳۷۱: ۲۴۱).

به‌طورکلی خرافات در میان مردم عمومی شده و فقط از نظر شدت و ضعف متفاوت است. وقتی طبقات اجتماعی توانایی حل مسائل خود را ندارند و بینش اجتماعی ضعیفی دارند، باورهای غیرعقلانی تولید می‌کنند. عواملی مانند سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی و شغلی با گرایش به خرافات مرتبط است. گسترش سواد عمومی و فرهنگ عمومی باعث کاهش اعتقاد به خرافات می‌شود؛ هرچند حتی انسان‌های مدرن نیز نمی‌توانند کاملاً از آن رها شوند (شاهنوشی، ۱۳۸۸: ۱۱۴؛ یوسف‌وند، ۱۳۹۵: ۱۵۹). گرچه شناخت در جهان امروز بر مبنای علوم و تجربه‌های علمی صورت می‌گیرد، از آنجاکه علم، قدرت زیادی در پیش‌بینی بسیاری از وقایع ندارد و

آدمی همواره نگران آینده پر از ابهام است، همچون گذشته‌گان مجدداً به خرافات روی می‌آورد. همچنین اضطراب‌ها و نگرانی‌های ناشی از ضعف آدمی در برابر بسیاری از حوادث او را به سوی پذیرفتن باورهای خرافی هدایت می‌کند. این گروه از باورها و اعمال خرافی دست‌کم راه‌حل‌هایی محتمل برای رهایی از رنج‌ها و مشقاتی در اختیار قرار می‌دهد که با وسایل کنونی نمی‌توان از آنها رهایی یافت (درودی، ۱۳۸۸). در دیدگاه‌های روان‌شناسان به این مسئله نیز توجه شده است. فروید^۱ (۱۳۸۷) و یونگ^۲ (۱۳۸۷) با مطالعه ریشه‌های روانی در انسان، آن را باعث شکل‌گیری خرافه‌گرایی می‌دانند. فروید (۱۳۸۷) با اینکه می‌دانست پدیده‌های غیبی ممکن است وجود داشته باشد، اما به‌طور کلی خرافات را باطل می‌دانست و تحلیل فرایندهای روانی خرافات را از وظایف خود می‌دانست. در چارچوب نظریه روانکاوی فروید تحلیل، درک و کشف ریشه خرافه‌گرایی به ساختار درونی و ناخودآگاه فرد ارجاع داده می‌شود. فروید (۱۳۸۷) باورهای خرافی را نوعی پاسخ روانی می‌داند که فرد در مواجهه با تنگی‌ها، نامایمات، تحمل‌ناپذیری‌های روحی و بن‌بست‌های زندگی از خود بروز می‌دهد (صالحی امیری و همکاران، ۱۳۸۷). برعکس، یونگ با بردباری بیشتری به این مسئله نگاه می‌کرد. یونگ (۱۳۷۱) معتقد است که آدمی امروزه برای برآوردن همان نیازها به یک سری باورهای دیگری روی می‌آورد که اگر جامعه نتواند مضامین مشترک اجتماعی برای باورهای او ارائه دهد، ملزم می‌شود به جای آنها به چیزهای دیگری پناه برد که حتی از آنها بدترند. به‌هرحال یونگ (۱۳۷۱) خرافات را یک ویژگی اساسی روح آدمی می‌داند. یونگ (۱۳۷۱) در نوشته‌هایش مطالب را این‌گونه آغاز می‌کند که باوجود اینکه یک قرن و نیم خردگرایی پشت سر گذاشته‌ایم، هنوز اعتقاد به ارواح و پدیده‌های مشابه در میان عامه مردم تداول دارد. یکی از

موضوعاتی که به‌طور پیوسته در نوشته‌های یونگ دیده می‌شود این است که این روزها مردم زیادی به عقل دلبسته‌اند که این‌گونه مانعی برای تجلی بخش مهمی از طبیعت خود شده‌اند که در این شرایط ممکن است به‌صورت نمودهای خشن و ناگهانی نمایانگر شود. او این وضعیت را با دنیای انسان بدوی مقایسه می‌کند؛ انسانی که در برابر واقعیت مادی و نیز واقعیت روحی توانایی پذیرندگی دارد و ارواح از نظر او شواهد مستقیمی است که بر واقعیت جهان روحی صحنه می‌گذارد. او این سؤال را می‌پرسد که آیا مردمان ابتدایی بیشتر از اروپاییان، اشباح و ارواح را می‌بینند که پاسخ پیچیده‌ای این است که «پدیده‌های روحی» در بین اروپاییان هم به همان اندازه اتفاق می‌افتد؛ اما اروپاییان در مقایسه با مردمان ابتدایی کمتر از «فرضیه روح» استفاده می‌کنند (جاهودا، ۱۳۷۱: ۱۱۰-۱۱۴). باوجود اختلافی که بین دیدگاه‌های فروید و یونگ درباره خرافات وجود دارد، یک سری عناصر مشترک در بین آنها دیده می‌شود. هر دو قبول داشتند که عقاید و رسوم خرافی ریشه در فرایندهای ذهنی ناهشیار آدمی دارد و خرافات مسئله‌ای مربوط به گذشته یا مربوط به طبقات کم‌سواد نبوده، برعکس مربوط به ساخت ذهنی همه آدمیان است که تحت تأثیر محرک‌های خاصی به سطح هشیار می‌رسد. شواهدی هم که هر دو در نظریات خود به کار برده‌اند، عمده‌تاً شامل گذشته فردی بیماران بوده و مهم‌تر از همه، هر دو نقش عنصر عاطفی را در خرافات تأیید کردند.

مازلو^۳ (۱۳۹۴) تأکید می‌کند که هریک از نیازهای عاطفی، شناختی و بیانی یک ارزش به شمار می‌رود. این نکته همان قدر که درباره عشق به حقیقت یا به یقین صدق می‌کند، درباره علاقه به ایمنی نیز صادق است. احساس ایمنی انگیزه و محرک سودمندی نخواهد بود؛ بلکه استعداد فرد را در روبه‌روشدن با مشکلات و خطرات و حل‌کردن آنها نیز محدود می‌کند. ناپهنجاری‌های روانی و رفتاری در انسان

¹ Sigmund Freud² Carl Gustav Jung³ Abraham (Harold) Maslow

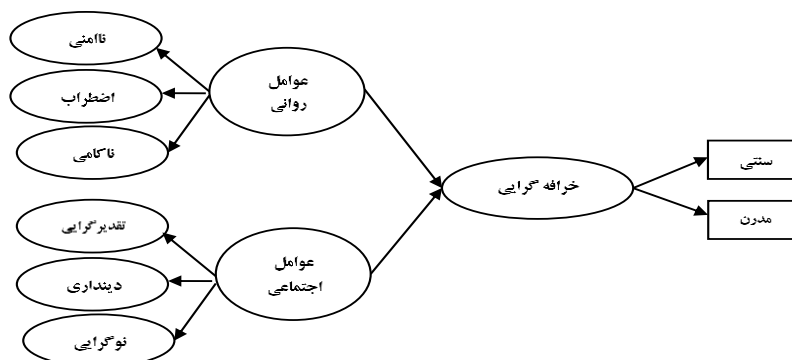
ناخوشایند که همه ما درجاتی از آن را در قالب کلمه‌هایی چون دل‌شوره و نگرانی بیان می‌کنیم (Futrill, 2011). در بیشتر موارد از دست دادن کنترل هم، به رفتار خرافی منجر می‌شود؛ اما احتمالاً عوامل استرس‌زای روزمره نیز از طریق همراه شدن با میل به کنترل به رفتار خرافی منجر می‌شود (Futrill, 2011).

با جمع‌بندی مباحث مطرح‌شده در این بخش، می‌توان گفت گرایش به خرافه در جامعه تحت‌تأثیر عوامل متعدد اجتماعی، فرهنگی، روانی و... بوده و بعضی مواقع دارای کارکرد است و افراد از آن به‌عنوان ابزاری برای مقابله با سختی‌ها و ناملازمات، داشتن حس آرامش و... استفاده می‌کنند؛ پس باتوجه به پیشینه و مباحث نظری مطرح‌شده، فرضیات زیر استخراج می‌شود:

- بین عوامل اجتماعی (دینداری، نوگرایی و تقدیرگرایی) با گرایش به خرافه‌گرایی رابطه وجود دارد.
- بین عوامل روانی (احساس ناامنی، اضطراب و ناکامی) با گرایش به خرافه‌گرایی رابطه وجود دارد.
- ویژگی‌های فردی و اجتماعی (جنسیت، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات و درآمد) برحسب خرافه‌گرایی متفاوت است.

هنگامی شروع می‌شود که احساس ناایمنی بر وجود او حاکم شود. این احساس به شیوه‌های مختلف بر زندگی آنها و دیگران تأثیر می‌گذارد. احساس ناایمنی، فرد درگیر را در فشار قرار می‌دهد و مسائل و مشکلاتی را برای او ایجاد می‌کند و حتی پیامدهای سوئی نیز در بهداشت روانی فردی و ارتباطات اجتماعی او به همراه دارد. احساس ناایمنی در جنبه‌های مختلف زندگی شغلی، تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی نمود پیدا می‌کند و با متغیرهای سن، جنس، دین، تأهل، شغل، رشته تحصیلی افزایش یا کاهش می‌یابد. احساس ناایمنی در دوره‌های مختلف سنی مشاهده می‌شود. مازلو (۱۳۹۴) گرایش به دین‌داری یا فلسفه‌ای جهانی را که جهان و مردم آن را به شکل کلیتی معنی‌دار، منسجم و رضایت‌بخش سازمان می‌دهند، تاحدودی به انگیزه امنیت‌طلبی مربوط می‌داند (زارع شاه‌آبادی و ترکان، ۱۳۹۴: ۱۱۱ و ۱۱۲).

در بیشتر پژوهش‌ها بیان شده که درگیر شدن در رفتار خرافی برای کاهش ترس از برخی رویدادهای آینده منحصر به افراد خرافاتی نیست. این رفتار احتمالاً از ویژگی‌های افراد مبتلا به اختلالات اضطرابی هم است. اختلالات اضطرابی باعث ناراحتی‌های بالینی عمده فردی یا اختلال در عملکرد اجتماعی و شغلی می‌شود. اضطراب معمول‌ترین پاسخ به محرک تنش‌زا است. منظور از اضطراب، هیجانی است



شکل ۱- مدل نظری پژوهش

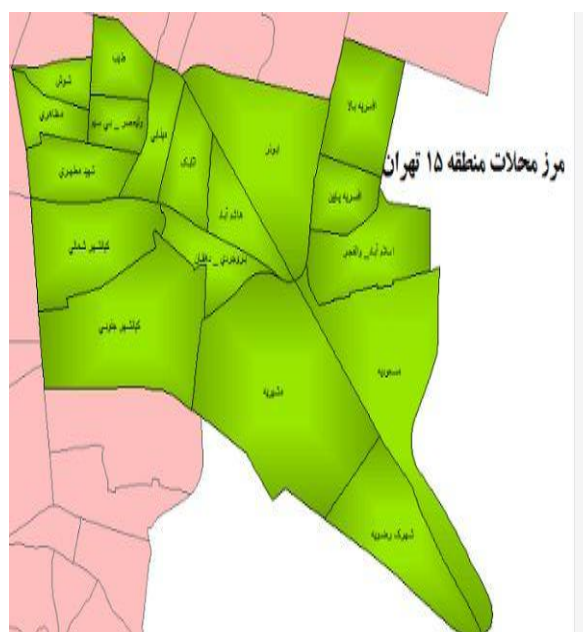
Fig 1- Theoretical research model

مأخذ: نگارندگان

روش‌شناسی

نوع پژوهش حاضر براساس نحوه گردآوری داده‌ها پیمایشی، براساس هدف تحقیق کاربردی و از لحاظ میزان ژرفایی پهنانگر است. واحد تحلیل فرد و سطح تحلیل خرد و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Amos²³ و SPSS²⁶ انجام گرفته است. منطقه مورد مطالعه، منطقه ۱۵ شهر تهران (منطقه ۱۵ شهرداری تهران از مناطق جنوب شرقی شهر تهران) است. منطقه ۱۵ از شمال به پادگان قصر فیروزه، ۴۵ متری آهنگ، خیابان خاوران و شوش شرقی و از غرب به خیابان فدائیان اسلام و از جنوب به خیابان دولت‌آباد، کوه بی‌بی شهریانو و کارخانه سیمان و از شرق به کوه‌های شرقی تهران و حد شرقی اراضی افسریه منتهی می‌شود. مساحت کل منطقه با احتساب حریم استحفاظی آن، ۲۰۴ کیلومترمربع و

مساحت محدوده قانونی (۶ ناحیه) ۸/۲۷ کیلومترمربع است. این منطقه دارای ۷ ناحیه است. مساحت حریم استحفاظی شهر تهران در حوزه مدیریت شهرداری این منطقه در حدود ۱۷۶ کیلومترمربع بوده که ۱۴/۶ درصد مساحت کل حریم استحفاظی شهر تهران است. پهنه این حریم از لحاظ مدیریتی و در چارچوب قانون تقسیمات کشوری در محدوده دو شهرستان تهران و ری قرار دارد. تا سال ۱۴۰۰ جمعیت کلی منطقه ۱۵ (دربرگیرنده ۲۱ محله) ۶۵۹۴۶۸ نفر اعلام شده است. از این منطقه به عنوان پرجمعیت‌ترین منطقه تهران یاد می‌شود. ۲۰۹۱۴۱ خانوار در این منطقه زندگی می‌کنند که شامل ۳۲۵۰۳۱۳ مرد و ۳۱۳۰۴۲۷ زن عنوان شده است (منطقه ۱۵ شهرداری تهران، ۱۴۰۵).



شکل ۲- منطقه ۱۵ شهرداری تهران و محلات مجزاشده شهرداری

Fig 2- District 15 of Tehran Municipality and the separated neighborhoods of the municipality

اطمینان $t=1/96$ ، احتمال خطا $d=0/05$ در سال ۱۴۰۴ و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود که پس از تعیین شاخص‌های لازم برای متغیرهای پژوهش گویه‌هایی طراحی و اعتبار صوری (داوری و بازمینی سؤالات پرسشنامه

جامعه آماری مطالعه حاضر کلیه شهروندان ۱۵ سال به بالا را دربر می‌گیرد که براساس نمونه‌گیری تصادفی و در دسترس با حجم نمونه ۲۸۴ نفر براساس فرمول کوکران (احتمال وجود صفت $p=0/5$ ، احتمال عدم وجود صفت $q=0/5$ ، درجه

نامعلوم یا موقعیت‌های بالقوه آسیب‌زا همراه است. این حالت شامل پاسخ‌های شناختی، عاطفی، فیزیولوژیکی و رفتاری است که از ترس متمایز است و بر ناتوانی در مقابله با چالش‌های پیش‌رو تمرکز دارد (مدانلو جویباری و همکاران، ۱۳۹۴).

- ناکامی^۷: ناکامی به‌عنوان سازه‌ای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به حالتی اطلاق می‌شود که در اثر موانع داخلی یا خارجی در مسیر دستیابی به اهداف یا نیازهای اساسی ایجاد می‌شود. این حالت می‌تواند به پاسخ‌های عاطفی نظیر خشم یا رفتارهای پرخاشگرانه منجر شود و در بافت اجتماعی به‌عنوان محرکی برای رفتارهای غیرمنطقی عمل کند (محمدی اقبال، ۱۴۰۳).

براساس داوران متخصص) و پایایی (ازطریق آلفای کرونباخ) آن تأیید شد و در اختیار پاسخ‌گویان قرار گرفت.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش

- خرافه‌گرایی^۱: خرافه اعتقادی غیرمعقول یا غیرعلمی است که از دنیای تخیلات ریشه گرفته با فرهنگ آمیخته و توسط اعضای اجتماع به‌عنوان امری طبیعی پذیرفته شده است (عزیزخانی و همکاران، ۱۳۹۴).

- تقدیرگرایی^۲: تقدیرگرایی یعنی اعتقاد فرد به ناتوانی‌اش درخصوص کنترل آینده (احمدرش و همکاران، ۱۳۹۰).

و این عقیده که هرچیزی در زندگی تحت‌امر یک قدرت برتر با نیروهای خارجی مثل شانس و... است و مردم نمی‌دانند و نمی‌خواهند درباره فردا و آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد، تفکر کنند (جوادی یگانه و فولادیان، ۱۳۹۰).

- دینداری^۳: دینداری یعنی پایبندی و التزامداشتن به ارزش‌ها و مناسک دین. نشانه‌های دینی‌بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان جست‌وجو کرد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴).

- نوگرایی^۴: تحولی در نظام ارزشی، شناختی و رفتاری افراد که در اثر فرایند کلان‌نوسازی ایجاد می‌شود و افراد را به ایفاکنندگان مؤثر نقش‌ها در سطح نهادی و سازمانی نوسازی تبدیل می‌کند و وجود آن یکی از عوامل مهم تسهیل‌کننده فرایند نوسازی و صنعتی‌شدن است (پاک‌سرشت، ۱۳۷۷: ۹۵).

- احساس ناامنی^۵: احساس ناامنی به‌عنوان سازه‌ای جامعه‌شناختی به ادراک ذهنی افراد از تهدیدات بالقوه یا واقعی علیه منابع اساسی نظیر امنیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هویتی اشاره دارد که می‌تواند به کاهش اعتماد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری جمعی منجر شود (نویدینا، ۱۳۸۲).

- اضطراب^۶: اضطراب سازه روان‌شناختی پیچیده‌ای است که به حالت عاطفی آینده‌محور اشاره دارد و با پیش‌بینی تهدیدات

¹ Superstition

² Fatalism

³ Religiosity

⁴ Modernism

⁵ Feeling insecure

⁶ Anxiety

⁷ Failure

جدول ۲- سنجش آلفای کرونباخ به همراه گویه‌های استفاده‌شده در ساخت متغیرهای پژوهش

Table 2- Cronbach's alpha measurement along with the items used in constructing the research variables

متغیر	ابعاد	گویه‌ها	تعداد گویه	ضریب
عوامل روانی	احساس ناامنی	نداشتن امنیت روانی در شرایط امروز جامعه، احساس ناامنی در زندگی روزمره و شغلی، احساس ناامنی از تنش‌های دائمی زندگی (خانه، محیط کار و...)، به بن‌بست رسیدن حل مسائل زندگی و نداشتن امنیت خاطر از حل آن.	۴	۰/۹۰
	اضطراب	نگرانی و ابهام در آینده، مردد بودن در انتخاب چیزی، اضطراب در حفظ وضع موجود، نگرانی و ابهام از آینده پیش‌رو، مردد بودن در انتخاب‌ها و اهداف زندگی، اضطراب و دلهره برای نگه‌داشتن حفظ وضع موجود (برای مثال نگه‌داشتن آرامشی که اکنون موجود است و ممکن است از بین برود)، احساس ناامیدی برای پیدا کردن راه‌حل در رابطه دچار مشکل‌شده (خانوادگی، عاطفی و...).	۵	۰/۸۹
عوامل اجتماعی	ناکامی	تجربه شکست عاطفی و عشقی، ناتوانی در شکست دشمن، رقیبان و حسودان، ناتوانی در مقابله با مشکلات زندگی، ناکامی در به دست آوردن آرزوها و امیال.	۴	۰/۸۶
	نوگرایی	استفاده از لباس‌های مد روز، داشتن مصرف زیاد برنامه غذایی فست‌فودی، انجام جراحی‌های زیبایی، الگو قراردادن سلبریتی در نوع پوشش، لباس و آرایش، بیزاری از سنت‌های جامعه (مراسمات دست‌وپاگیر مثل حنابندان، شب چله و... برای عروسی).	۵	۰/۸۸
عوامل دینداری	تقدیرگرایی	اعتقاد به این باور که طالع هر کسی روی پیشانی‌اش نوشته؛ گلیم بخت هرکس را که بافتند سیاه است؛ به آب زمزم و کوثر سفید نتوان کرد؛ دلم می‌خواهد ولی بخت نمی‌خواهد؛ بدبخت اگر مسجد آدینه بسازد یا سقف فرو آید یا قبله کج آید؛ برای آدم بدبخت از در و دیوار می‌بارد؛ هرچه سنگه مال پای لنگه؛ قضاو قدر کار خودش را می‌کند؛ پیشونی کجا می‌شونی؛ قضای نوشته نشاید سترد؛ آنچه خدا خواست همان شد، آنچه دلم خواست نه آن شد.	۱۰	۰/۸۶
	دینداری	می‌دانم خدایی وجود دارد و هیچ شکی به وجود آن ندارم. به زندگی پس از مرگ و روز قیامت و حساب و کتاب اعتقاد دارم. خدا در زندگی مایه دلگرمی است. روند زندگی خود را براساس اعمال و چارچوب آنچه که دین گفته است، تنظیم می‌کنم. انجام واجبات دینی را جدی می‌گیرم. در خانواده ما درباره مسائل دینی بحث می‌شود.	۶	۰/۷۷
خرافه‌گرایی	سستی	مراجعه به دعا نویس و طلسم‌نویس‌ها (محبت، دوری چشم‌زخم و...)؛ مراجعه به کسی که فال قهوه می‌گیرد (پیشگویی رابطه و...)؛ مراجعه به افرادی که سرکتاب باز می‌کنند (برای طالع‌بینی یا بخت‌گشایی یا جفت‌بودن ستاره و...)؛ مراجعه به فردی که موکل دارد (آگاه‌کردن از اسرار غیبی)؛ مراجعه به فردی که با علوم غریبه آشنایی دارد (راهنمایی برای حل مشکل باتوجه به علم رمل و ابجد و...).	۵	۰/۸۳
	مدرن	داشتن مطالعات علمی و خاص درباره موکل، همزاد و...، اعتقاد به جذب کائنات با انرژی مثبت دادن، اعتقاد به کارمای جهان، اعتقاد به چاکرا، مطالعه کتاب‌ها و سایت‌های طالع‌بینی، شرکت در جلسات احضار روح با دوستان حتی برای تفریح و سرگرمی، دنبال کردن طالع‌بینی‌های روزانه، دنبال کردن پیج‌های اینترنتی فال‌گیران.	۷	۰/۸۵

یافته‌های پژوهش

۶۱/۶ درصد زن و ۳۸/۴ درصد مرد بوده‌اند.

آمار توصیفی: در این قست از پژوهش ویژگی‌های توصیفی

برحسب تحصیلات: ۲۰/۱ درصد زیر دیپلم، ۲۸/۲ درصد

پاسخ‌گویان (سن، جنس، تحصیلات و...) ذکر و در ادامه فرضیات پژوهش به بوته آزمون گذاشته شده است.

دیپلم، ۴۴/۴ درصد فوق دیپلم و لیسانس، ۶/۳ درصد فوق لیسانس و ۱/۱ درصد دکترا داشته‌اند.

از بین نمونه‌های انتخاب‌شده برحسب جنسیت:

برحسب وضعیت تأهل: ۴۵/۴ درصد مجرد، ۴۴/۷ درصد

متأهل و ۹/۹ درصد سایر بوده‌اند.

۵۰ ساله و ۱۰/۶ درصد گروه سنی ۵۵ سال به بالا داشته‌اند.

برحسب گروه‌های سنی: ۴/۲ درصد گروه سنی ۱۵-

۱۹ ساله، ۴۵/۸ درصد گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۴/۹ درصد گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله، ۱۰/۲ درصد گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله، ۶/۳ درصد گروه سنی ۳۵-۳۹ ساله، ۳/۹ درصد گروه سنی ۴۰-۴۴ ساله، ۷/۳ درصد گروه سنی ۴۵-۴۹ ساله، ۷/۷ درصد گروه سنی ۵۰-۵۴ ساله.

برحسب درآمد ماهیانه: بیشترین فراوانی ۲۰-۳۰ میلیون

با ۳۲/۷ درصد، ۱۰-۲۰ میلیون با ۳۱/۳ درصد، بین ۳۰-۴۰ میلیون با ۱۹/۰ درصد، زیر ۲۰ میلیون با ۱۰/۶ درصد و ۴۰ میلیون به بالا با ۶/۳ درصد اظهار داشته‌اند.

جدول ۳- توزیع فراوانی شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده پاسخ‌گویان

Table 3- Frequency distribution of social networks used by respondents

متغیر	اینستاگرام	تلگرام	یوتیوب	سایر شبکه‌های خارجی	ایتا	سایر شبکه‌های داخلی
گزینه	بله	خیر	بله	خیر	بله	خیر
فراوانی	۷۲	۲۱۲	۵۸	۲۲۶	۲۰۵	۷۹
درصد	۲۵/۴	۷۴/۶	۲۰/۴	۷۹/۶	۷۲/۲	۲۷/۸

جدول ۴- توزیع فراوانی ساعات استفاده‌شده در شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده پاسخ‌گویان

Table 4- Frequency distribution of hours spent on social networks used by respondents

متغیر	زیر یک ساعت	۱-۳ ساعت	۳-۵ ساعت	۵-۸ ساعت	۸ ساعت به بالا
فراوانی	۵۷	۸۴	۱۲	۲۳	۱۰۸
درصد	۲۰/۱	۲۹/۶	۴/۲	۸/۱	۳۸/۰

جدول ۳ بیانگر درصد فراوانی شبکه‌های مورد استفاده پاسخ‌گویان است. نکته درخور توجه در آن استفاده بیشتر کاربران ایرانی از شبکه‌های اجتماعی خارجی در مقایسه با

شبکه‌های داخلی بوده است و جدول (۴) بیانگر این است که بیشترین زمان مصرف‌شده برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی در بین کاربران پاسخ‌گو بیش از ۸ ساعت بوده است.

جدول ۵- میانگین نمرات متغیرهای فاصله‌ای پژوهش

Table 5- Average scores of research interval variables

متغیر	خرافه‌گرایی	نوگرایی	دینداری	تقدیرگرایی	ناکامی	اضطراب	احساس ناامنی
میانگین	۳/۳۷	۴/۰۴	۳/۴۵	۳/۷۲	۳/۲۴	۴/۱۱	۳/۹۵
میانه	۳/۵۷	۴/۲۰	۳/۵۰	۳/۸۰	۳/۳۰	۴/۰۰	۳/۷۵
مد	۲/۰۷	۳/۲۰	۴/۰۰	۴/۶۰	۴/۰۰	۴/۸۰	۳/۲۵
واریانس	۰/۵۴۷	۰/۵۷۸	۰/۶۲۶	۰/۷۷۸	۱/۴۷	۰/۹۵۹	۱/۲۵۰
دامنه	۳/۱۰	۴/۲۰	۳/۶۷	۴/۱۰	۴/۶۰	۴/۲۰	۴/۷۵
کمینه	۱/۹۳	۲/۰۰	۱/۳۳	۱/۹۰	۱/۰۰	۱/۸۰	۱/۲۵
بیشینه	۵/۰۳	۶/۰۰	۵/۰۰	۶/۰۰	۵/۶۰	۶/۰۰	۶/۰۰

جدول (۵) بیانگر نمره میانگین خرافه‌گرایی با ۳/۳۷ درصد بوده که نمره‌ای در حد متوسط است. نمره میانگین نوگرایی با ۴/۰۴ درصد و نمره‌ای بیشتر از متوسط، دینداری با ۳/۴۵ درصد

و نمره‌ای در حد متوسط، تقدیرگرایی با ۳/۷۲ درصد و نمره بیشتر از حد متوسط، ناکامی با ۳/۲۴ درصد و نمره‌ای متوسط، اضطراب با ۴/۱۱ درصد و نمره‌ای بیشتر از متوسط و احساس

نامنی با ۳/۹۵ درصد و نمره بیشتر از متوسط در بین پاسخ‌گویان به دست آمده است.

- فرضیه اول: بین عوامل اجتماعی (نوگرایی، دینداری و تقدیرگرایی) و گرایش به خرافه‌گرایی رابطه وجود دارد.

ب. تحلیل استنباطی (آزمون فرضیات پژوهش)

جدول ۶- آزمون همبستگی پیرسون بین عوامل اجتماعی (نوگرایی، دینداری و تقدیرگرایی) و گرایش به خرافه‌گرایی

Table 6- Pearson correlation test between social factors (modernity, religiosity, fatalism) and tendency towards superstition

نوگرایی	دینداری	تقدیرگرایی		
۰/۰۸۱	-۰/۰۵۰	۰/۶۰۷**	ضرب همبستگی پیرسون	خرافه‌گرایی
۰/۱۷۴	۰/۴۰۵	۰/۰۰۰	سطح معناداری (دوطرفه)	
-۰/۱۱۶	-۰/۰۲۲	۰/۶۵۳**	ضرب همبستگی پیرسون	بُعد سنتی
۰/۰۵۰	۰/۷۱۳	۰/۰۰۰	سطح معناداری (دوطرفه)	
۰/۳۱۸**	-۰/۰۷۷	۰/۴۵۱**	ضرب همبستگی پیرسون	بُعد مدرن
۰/۰۰۰	۰/۱۹۷	۰/۰۰۰	سطح معناداری (دوطرفه)	

بین دو بُعد سنتی و مدرن، بُعد مدرن تأیید شده است. براساس جدول (۶) بین متغیر میزان نوگرایی و میزان گرایش به خرافه‌گرایی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد (Sig=۰/۰۰۰، ضریب همبستگی=۰/۰۸۱)؛ یعنی میزان نوگرایی افراد ارتباطی با گرایش به خرافه‌گرایی آنها نداشته است؛ اما نکته جالب توجه این بود که در بررسی دو بُعد خرافه‌گرایی (مدرن و سنتی)، بُعد مدرن معنادار و مستقیم شد؛ یعنی هرچه افراد نوگرایانه‌تر باشند، در بُعد مدرن گرایش به خرافه‌گرایی بیشتری دارند و بالعکس.

- فرضیه دوم: بین عوامل روانی (احساس ناامنی، اضطراب و ناکامی) و گرایش به خرافه‌گرایی رابطه وجود دارد.

براساس جدول (۶) بین متغیر میزان تقدیرگرایی و میزان گرایش به خرافه‌گرایی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد (Sig=۰/۰۰۰، ضریب همبستگی=۰/۶۷۰) و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود؛ یعنی هرچه میزان تقدیرگرایی شخصی بیشتر باشد، احتمال گرایش به خرافه‌گرایی بیشتری هم خواهد بود و بالعکس و در بین دو بُعد سنتی و مدرن، بُعد مدرن نمره بیشتری به خود اختصاص داده است.

براساس جدول (۶) بین متغیر میزان دینداری و میزان گرایش به خرافه‌گرایی رابطه مستقیم و معنادار وجود ندارد (Sig=۰/۴۰۵، ضریب همبستگی=-۰/۰۵۰) و فرضیه پژوهش تأیید نمی‌شود؛ یعنی هرچه میزان دینداری بیشتر باشد، احتمال گرایش به خرافه‌گرایی کمتری هم خواهد بود و بالعکس و در

جدول ۷- آزمون همبستگی پیرسون بین عوامل اجتماعی (احساس ناامنی، اضطراب و ناکامی) و گرایش به خرافه‌گرایی

Table 7- Pearson correlation test between social factors (feelings of insecurity, anxiety, and failure) and tendency toward superstition

ناکامی	اضطراب	احساس ناامنی		
۰/۳۷۷**	۰/۳۹۷**	۰/۵۰۰**	ضرب همبستگی پیرسون	خرافه‌گرایی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری (دوطرفه)	
۰/۳۶۹**	۰/۴۳۹**	۰/۴۸۱**	ضرب همبستگی پیرسون	بُعد سنتی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری (دوطرفه)	
۰/۳۳۵**	۰/۳۱۵**	۰/۴۵۱**	ضرب همبستگی پیرسون	بُعد مدرن
۰/۰۳۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری (دوطرفه)	

به منظور تفاوت میانگین گرایش به خرافه‌گرایی برحسب گروه‌های سنی از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) (جدول ۸) استفاده شد. باتوجه‌به نتایج آزمون ($\alpha=0/000$ سطح معناداری) و نمره میانگین گروه‌های سنی به ترتیب (۴۰-۴۴ سال = $3/89$ ؛ ۵۰-۵۴ سال به بالا = $3/29$ ؛ ۴۵-۴۹ سال = $3/30$ ؛ ۲۰-۲۴ و $30-34$ و $35-39$ ؛ ۱۰-۱۴ سال = $2/82$ و $25-29$ سال = $2/80$) تفاوت میانگین مشاهده می‌شود که می‌توان گفت در بین افراد مسن‌تر گرایش به خرافه‌گرایی تاحدودی بیشتر از بقیه گروه‌های سنی است.

به منظور تفاوت میانگین گرایش به خرافه‌گرایی برحسب وضعیت تأهل از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) (جدول ۸) استفاده شد. باتوجه‌به نتایج آزمون ($\alpha=0/000$ سطح معناداری) و نمره میانگین گروه‌های تأهل به ترتیب (سایر = $3/83$ ؛ مجرد = $3/36$ و متأهل = $3/26$) تفاوت میانگین مشاهده می‌شود.

به منظور تفاوت میانگین گرایش به خرافه‌گرایی برحسب میزان تحصیلات از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) (جدول ۸) استفاده شد. باتوجه‌به نتایج آزمون ($\alpha=0/000$ سطح معناداری) و نمره میانگین گروه‌های تحصیلی به ترتیب (زیردیپلم = $3/78$ ؛ دیپلم = $3/58$ ؛ فوق دیپلم و لیسانس = $3/32$ ؛ فوق لیسانس = $2/30$ و دکترا = $2/30$) تفاوت میانگین مشاهده می‌شود که می‌توان گفت در بین افراد با تحصیلات بیشتر این میزان گرایش کمتر مشاهده می‌شود.

به منظور تفاوت میانگین گرایش به خرافه‌گرایی برحسب وضعیت درآمد از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) (جدول ۸) استفاده شد. باتوجه‌به نتایج آزمون ($\alpha=0/000$ سطح معناداری) و نمره میانگین گروه‌های درآمدی به ترتیب (زیر ۱۰ میلیون تومان = $3/68$ ؛ ۱۰-۲۰ میلیون = $3/54$ ؛ ۲۰-۳۰ میلیون = $3/30$ و ۴۰ میلیون تومان به بالا = $2/69$) تفاوت میانگین مشاهده می‌شود که می‌توان گفت کم‌درآمدها گرایش بیشتری به خرافه‌گرایی دارند.

براساس جدول (۷) بین متغیر میزان احساس ناامنی و میزان گرایش به خرافه‌گرایی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد ($\text{Sig}=0/000$ ، ضریب همبستگی = $0/500$) و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود؛ یعنی هرچه میزان احساس ناامنی شخصی بیشتر باشد، احتمال گرایش به خرافه‌گرایی هم بیشتر خواهد بود و بالعکس و در بین دو بُعد سنتی و مدرن خرافه‌گرایی، بُعد سنتی، کمی بیشتر از بُعد مدرن به دست آمد. براساس جدول (۷) بین متغیر میزان اضطراب و میزان گرایش به خرافه‌گرایی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد ($\text{Sig}=0/000$ ، ضریب همبستگی = $0/397$) و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود؛ یعنی هرچه میزان اضطراب بیشتر باشد، احتمال گرایش به خرافه‌گرایی هم بیشتر خواهد بود و بالعکس و در بین دو بُعد سنتی و مدرن خرافه‌گرایی، بُعد سنتی نمره بیشتری به خود اختصاص داده است.

براساس جدول (۷) بین متغیر میزان ناکامی و میزان گرایش به خرافه‌گرایی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد ($\text{Sig}=0/000$ ، ضریب همبستگی = $0/327$) و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود؛ یعنی هرچه میزان ناکامی شخصی بیشتر باشد، احتمال گرایش به خرافه‌گرایی هم بیشتر خواهد بود و بالعکس و در بین دو بُعد سنتی و مدرن خرافه‌گرایی، بُعد سنتی تا حدودی بیشتر از بُعد مدرن بوده است.

- فرضیات فرعی: ویژگی‌های فردی و اجتماعی

(جنس، سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات و درآمد) برحسب خرافه‌گرایی متفاوت است.

به منظور تفاوت میانگین گرایش به خرافه‌گرایی برحسب جنسیت از آزمون دونمونه‌ای مستقل (T-Test) (جدول ۸) استفاده شد. براساس نتایج آزمون ($\alpha=0/000$ سطح معناداری) می‌توان نتیجه گرفت که واریانس درون‌گروهی و بین‌گروهی میانگین گرایش به خرافه‌گرایی برحسب جنسیت متفاوت است و حتی در نمره میانگین (زنان = $3/72$ و مردان = $2/82$) نیز این تفاوت میانگین و گرایش بیشتر زنان به خرافه‌گرایی مشاهده می‌شود.

جدول ۸- نتایج آزمون (Anova) و (T-test) میزان گرایش به خرافه‌گرایی برحسب (جنس، سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات و درآمد)
Table 8- Results of the (Anova) and (T-test) test of the level of tendency towards superstition according to (gender, age, marital status, level of education and income)

جنس	تعداد میانگین	مقدار F	سطح معنی‌داری	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	آزمون t برای برابری میانگین‌ها
مرد	۱۰۹	۲/۸۲	فرض برابری واریانس	۸/۰۰۴	۰/۰۰۵	۱۲/۳۴۱	۲۸۲
زن	۱۷۵	۳/۷۲	فرض نابرابری واریانس			۱۲/۰۳۰	۲۱۰/۴۰۵
سن	تعداد میانگین	آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه	جمع مجزورات	درجه آزادی	جمع میانگین	مقدار F	سطح معنی‌داری
۱۹-۱۵	۱۲	۲/۸۲	درون‌گروهی	۸	۲/۷۳۸		
۲۴-۲۰	۱۳۰	۳/۳۰	برون‌گروهی	۲۷۵			
۲۹-۲۵	۱۴	۲/۸۰					
۳۴-۳۰	۲۹	۳/۲۹					
۳۹-۳۵	۱۸	۳/۲۹					
۴۴-۴۰	۱۱	۳/۸۹	جمع کل	۲۸۳	۰/۴۸۳		
۴۹-۴۵	۱۸	۳/۳۰					
۵۴-۵۰	۲۲	۳/۶۵					
۵۵ سال به بالا	۳۰	۳/۶۵					
جمع کل	۲۸۴	۳/۳۷					
وضعیت تأهل	تعداد میانگین	آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه	جمع مجزورات	درجه آزادی	جمع میانگین	مقدار F	سطح معنی‌داری
مجرد	۱۲۳	۳/۳۶	درون‌گروهی	۲	۴/۴۶۳		
متأهل	۱۲۷	۳/۲۶	برون‌گروهی	۲۸۱			
سایر	۳۴	۳/۸۳	جمع کل	۲۸۳	۰/۵۱۹		
جمع کل	۲۸۴	۳/۷۶					
میزان تحصیلات	تعداد میانگین	آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه	جمع مجزورات	درجه آزادی	جمع میانگین	مقدار F	سطح معنی‌داری
زیر دیپلم	۵۷	۳/۷۸	درون‌گروهی	۴	۹/۴۲۰		
دیپلم	۸۰	۳/۵۸	برون‌گروهی	۲۷۹			
فوق دیپلم و لیسانس	۱۲۶	۳/۲۳					
فوق لیسانس	۱۸	۲/۳۵	جمع کل	۲۸۳	۰/۴۱۹		
دکتر و بالاتر	۳	۲/۳۰					
جمع کل	۲۸۴	۳/۳۷					
درآمد	تعداد میانگین	آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه	جمع مجزورات	درجه آزادی	جمع میانگین	مقدار F	سطح معنی‌داری
زیر ۱۰	۳۰	۳/۶۸	درون‌گروهی	۴	۳/۶۲۰		
۲۰-۱۰	۸۹	۳/۵۴	برون‌گروهی	۲۷۹			
۳۰-۲۰	۹۳	۳/۳۰					
۴۰-۳۰	۵۴	۳/۲۸	جمع کل	۲۸۳	۰/۵۰۳		
۴۰ سال به بالا	۱۸	۲/۶۹					
جمع کل	۲۸۴	۳/۳۷					

با استفاده از تحلیل رگرسیون با وارد کردن ۱۲ متغیر مستقیم،

- تحلیل رگرسیونی

ضریب همبستگی چندگانه آنها با متغیر وابسته یعنی گرایش به خرافه‌گرایی برابر $R=0/68$ و ضریب تعیین برابر با $R^2=0/46$ به دست آمد و بیانگر آن است که حدود $0/46$ از واریانس متغیر گرایش به خرافه‌گرایی توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل رگرسیونی تبیین شده است. همچنین آماره دوربین واتسون با $1/75 < 2$ - حاکی از استقلال متغیرها از یکدیگر است (جدول ۹ و ۱۰). ضریب معناداری نیز نشان می‌دهد که با $0/05 \leq p$ می‌توان نتایج تحقیق را به جامعه آماری تعمیم داد.

جدول ۹- خلاصه مدل رگرسیون متغیرهای پژوهش

Table 9- Summary of the regression model of research variables

مقدار R	مقدار R^2	مقدار R^2 تعدیل شده	خطای برآورد استاندارد	دوربین - واتسون
۰/۶۸	۰/۴۶	۰/۴۳	۰/۶۴۰	۱/۷۵

جدول ۱۰- تحلیل واریانس برای آزمون معناداری شکل رگرسیونی (برآورد واریانس)

Table 10- Analysis of variance for significance test of regression form (variance estimate)

کل	مجموع مجزورات	درجه آزادی (df)	میانگین مجزورات	کمیت (F)	سطح معنی‌داری (sig)
مجموع مجزورات رگرسیون	۹۸/۰۵۲	۱۲	۸/۱۷۱	۳۹/۱۰۴	۰/۰۰۰
مجموع مجزورات باقی‌مانده	۵۶/۶۲۷	۲۷۱	۰/۲۰۹	—	—
مجموع مجزورات کل	۱۵۴/۶۷۹	۲۸۳	—	—	—

همچنین جدول (۱۱) نشان می‌دهد که از بین متغیرهای مستقل، متغیر احساس ناامنی با $\beta=0/488$ و جنسیت با $\beta=0/308$ بیشترین تأثیر و به ترتیب متغیر اضطراب با $\beta=0/297$ ، تقدیرگرایی با $\beta=0/281$ ، تحصیلات

با $\beta=0/220$ ، نوگرایی با $\beta=0/172$ ، سن با $\beta=0/172$ ، میزان ساعات استفاده از فضای مجازی با $\beta=0/169$ و درآمد با $\beta=0/123$ در تبیین متغیر وابسته تأثیر داشته‌اند.

جدول ۱۱: ضرایب رگرسیون متغیرهای پژوهش

Table 11. Regression coefficients of research variables

فرضیات تحقیق	ضریب زاویه	رگرسیون	ضریب استاندارد	T	Sig
	B	انحراف معیار	β		
مقدار ثابت	۱/۰۶۸	۰/۲۷۷	—	۳/۸۴۹	۰/۰۰۰
احساس ناامنی	۰/۳۲۲	۰/۰۶۲	۰/۴۸۸	۵/۱۹۸	۰/۰۰۰
جنسیت ^۱	۰/۴۶۷	۰/۰۷۰	۰/۳۰۸	۶/۶۹۷	۰/۰۰۰
اضطراب	-۰/۲۲۴	۰/۰۷۳	-۰/۲۹۷	-۳/۰۸۴	۰/۰۰۲
تقدیرگرایی	۰/۲۳۵	۰/۰۴۱	۰/۲۸۱	۵/۷۳۷	۰/۰۰۰
تحصیلات	-۰/۱۷۸	۰/۰۳۸	-۰/۲۲۰	-۴/۷۲۶	۰/۰۰۰
نوگرایی	۰/۱۶۸	۰/۰۴۳	۰/۱۷۲	۳/۸۸۷	۰/۰۰۰
سن	۰/۰۴۸	۰/۰۱۹	۰/۱۷۲	۲/۵۱۳	۰/۰۱۳
میزان ساعات استفاده از فضای مجازی	۰/۰۵۹	۰/۰۲۱	۰/۱۶۹	۲/۷۸۲	۰/۰۰۶
درآمد	-۰/۰۹۴	۰/۰۳۱	-۰/۱۲۳	-۳/۰۷۳	۰/۰۰۲
ناکامی	-۰/۰۲۸	۰/۰۳۵	-۰/۰۴۵	-۰/۷۹۸	۰/۴۲۶
دینداری	-۰/۰۱۸	۰/۰۳۶	-۰/۰۱۹	-۰/۴۹۸	۰/۶۱۹
وضعیت تأهل	۰/۰۲۱	۰/۰۴۹	۰/۰۱۹	۰/۴۱۹	۰/۶۷۶

^۱ جنسیت، جز متغیرهای دوحالته بوده که از آنجایی که متغیرهای کیفی و اسمی هستند، از کدگذاری تصنعی ۰ و ۱ استفاده شد؛ برای مثال در داده‌ها زن (۰) و مرد (۱) رمزگذاری شده است؛ بنابراین، برای این متغیر ۰/۳۰۸، تنها افزایش ۱ واحدی ممکن است از زن (۰) به مرد (۱) باشد.

مدل تجربی تحقیق در قالب یک مدل معادله ساختاری

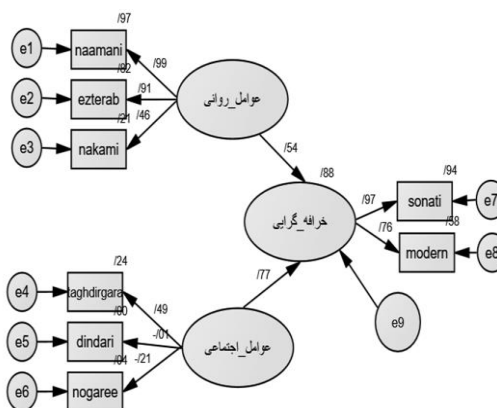
مدل معادلات ساختاری یک مدل ساختاری است که ساختار علی بین متغیرهای پنهان را مشخص می‌کند و یک مدل اندازه‌گیری است که روابط بین متغیرهای پنهان و متغیرهای مشاهده‌شده را تعریف می‌کند. همان‌طور که در شکل (۳) مشاهده می‌شود، مدل تجربی تحقیق در قالب مدل معادله ساختاری ارائه شده است.

در بخش مدل عاملی تأییدی متغیر عوامل روانی با توجه به ترتیب اندازه‌گیری بارهای عاملی (λ)، ناامنی با ($\lambda=0/99$)، اضطراب با ($\lambda=0/91$) و ناکامی با ($\lambda=0/46$) سازه متغیر روانی را شکل داده‌اند.

در بخش مدل عاملی تأییدی متغیر عوامل اجتماعی

باتوجه به ترتیب اندازه‌گیری بارهای عاملی، تقدیرگرایی با ($\lambda=0/49$)، نوگرایی با ($\lambda=0/21$) و دینداری با ($\lambda=0/01$) سازه این متغیر را شکل داده‌اند.

همچنین در رابطه بین متغیرهای مدل معادله ساختاری، رابطه بین عوامل روانی و متغیر گرایش به خرافه‌گرایی ($\gamma=0/54$) و رابطه بین عوامل اجتماعی و متغیر گرایش به خرافه‌گرایی ($\gamma=0/77$) بوده که بیانگر اثر بیشتر عوامل اجتماعی بر عوامل روانی بوده است. همچنین باتوجه به ضرایب معیارهای نیکویی و برازش مدل (جدول ۱۲) باید گفت که مدل تحقیق از برازش نسبتاً مناسبی برخوردار است و داده‌های جمع‌آوری‌شده با چارچوب نظری پژوهش حمایت می‌شود.



شکل ۳- ضرایب استاندارد (standard) مدل معادله ساختاری تحقیق

Fig 3- Standard coefficients of the structural equation model of the research

جدول ۱۲- معیارها و تفسیر برازش مدل معادله ساختاری

Table 12- Criteria and interpretation of structural equation model fit

نام شاخص	کای اسکور	شاخص نیکویی	ریشه میانگین	شاخص تناسب	شاخص تناسب	شاخص تناسب	شاخص تناسب
	بهبوده شده	برازش	مربعات باقی مانده	مقایسه ای (CFI)	غیرهنجار (TLI)	هنجار (NFI)	مقتصد (PCFI)
	(x^2/df)	(GFI)	(RMR)	$0/80 \leq CFI \leq 0/95$	$0/80 \leq TLI \leq 0/95$	$0/80 \leq NFI \leq 0/95$	$0/50 \leq PCFI \leq 0/60$
مقدار قابل قبول	$2 \leq x^2/df \leq 3$	$0/80 \leq GFI \leq 0/95$	$0/05 \leq RMR \leq 0/1$	$0/80 \leq CFI \leq 0/95$	$0/80 \leq TLI \leq 0/95$	$0/80 \leq NFI \leq 0/95$	$0/50 \leq PCFI \leq 0/60$
مقدار	۳/۵۰	۰/۸۵	۰/۱	۰/۸۳	۰/۸۰	۰/۸۲	۰/۴۸
به دست آمده							

بحث و نتیجه

این پژوهش سعی داشت تا عوامل روانی - اجتماعی مؤثر بر خرافه‌گرایی بحث و بررسی شود. نتایج حاصل از این پژوهش

پیمایشی در منطقه ۱۵ تهران، تصویر روشنی از ریشه‌های چندوجهی و عمیق اجتماعی - روانی خرافه‌گرایی ارائه می‌دهد و تأکید می‌کند که پدیده خرافه، صرفاً یک نقص

شناختی نیست، بلکه پاسخی ساختاری به عدم قطعیت و نابرابری‌های اجتماعی است.

در بررسی نتایج این پژوهش نمره میانگین، متغیر میزان گرایش به خرافه‌گرایی نمره‌ای بیشتر از حد متوسط به دست آورد. می‌توان گفت که این پدیده نمایی کوچک از جامعه بزرگ‌تر است و افراد با وجود دوران گذر از سنت به مدرن هنوز در گیرودار عقاید و باورهای گذشته هستند و جامعه براساس همان باورها و با انتقال آن به نسل‌های جدیدتر نیز در این مسیر همراهی می‌کند (منطبق با نظریه مدیریت ریسک گیدنز (۱۳۷۹)، لوی‌برول (۱۳۷۱) و پژوهش افاضل (۱۳۹۷)، قادرزاده و غلامی (۱۳۹۴)، وثوقی و خواجه‌زاده (۱۳۹۳) و آنتی‌پوف و پوکرشفسکایا (۲۰۲۰).

در بررسی فرضیه رابطه بین متغیر دینداری و خرافه‌گرایی با الهام از دیدگاه مالینوفسکی که حوزه مطالعات وی عمدتاً ادیان غیرالهی و جوامع ابتدایی است، کارکرد دین و خرافه را به هم پیوسته می‌داند. در پژوهش‌هایی که این رابطه را بررسی کرده‌اند، در بین نمونه آماری منتخب پژوهش، چنین رابطه‌ای بین این دو متغیر معنادار نگردید؛ ازجمله: آزادبخت (۱۴۰۲) با تأیید رابطه معنادار بین دینداری و خرافه‌گرایی، افاضل (۱۳۹۷) با تأثیر خرافه‌گرایی بر دینداری و ایجاد رخنه در دین دوره قاجار، پرتو (۱۴۰۰) با تأیید رابطه معنادار بین دینداری و خرافه‌گرایی، سوگندا و همکاران (۲۰۲۰) با بیان تأثیر خرافه بر آیین‌های دینی، الکساندر و کوستاندیوس (۲۰۲۰) با تأثیر خرافه بر آیین‌های مذهبی، سلطانا و همکاران (۲۰۱۹) با بیان گرایش بیشتر به خرافه‌گرایی در بین هندومذهبان، سیرام (۲۰۱۸) مبنی بر ارتباط مؤمنان با برنامه‌های تلویزیونی خرافی، پژوهش برگر و همکاران (۱۳۹۴) و برگر و لوکمان (۱۳۷۵) در حوزه دین مدرن و کاهش خرافه‌گرایی.

در بررسی رابطه بین تقدیرگرایی و گرایش به خرافه‌گرایی که در این پژوهش رابطه مثبت و معنادار شد، با نظر راجرز (۱۹۶۲) مبنی بر تأثیر فقدان توانمندی در ارتباط با مهار آینده و گرایش به تقدیرگرایی، نظر اینکلس و اسمیت (۱۹۷۴) مبنی

بر اینکه جمود فکری و سنت‌گرایی که به تقدیرگرایی منجر می‌شود و نتایج پژوهش کریمی و رهنما (۱۴۰۰)، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) و عشایری و همکاران (۱۴۰۱) همخوانی دارد که اعتقاد به رابطه مثبت بین تقدیرگرایی و خرافه‌گرایی دارند.

در بررسی فرضیه رابطه بین متغیر میزان نوگرایی و میزان گرایش به خرافه‌گرایی که در این پژوهش رابطه مثبت و معنادار نشد، با نظر ایزنشتاد (۲۰۰۰) هم‌راستا بود که معتقد است نوگرایی با خرافه‌گرایی منافاتی ندارد و اگر باور خرافی در جامعه تأیید شود، به‌عنوان عنصر ضد توسعه برای آن جامعه تلقی نمی‌شود. همچنین با پژوهش افشانی و احمدی (۱۳۸۸)، ربیعی (۱۳۹۴)، آنتی‌پوف و پوکرشفسکایا (۲۰۲۰)، هالا و همکاران (۲۰۱۹) و آن و دیگران (۲۰۱۹) همخوانی داشت که در پژوهش آنها نیز لزوماً نوگرایی به عدم خرافه‌گرایی منجر نمی‌شود. درحالی‌که در نظرات اینکلس و اسمیت (۱۹۷۴) که معتقدند نوگرایی به خردورزی و دوری از خرافه‌گرایی منجر می‌شود و پژوهش‌های شیخ‌علیشاهی (۱۳۹۸)، خاکپور (۱۳۹۹)، افلاکی عربانی و همکاران (۱۳۹۹)، قادرزاده و غلامی (۱۳۹۴)، عزیزخانی و همکاران (۱۳۹۴)، فروغی و عسگری‌مقدم (۱۳۸۸) و افشانی و احمدی (۱۳۸۸) بین این دو متغیر رابطه وجود داشته است.

در بررسی رابطه بین متغیر میزان احساس ناامنی و میزان گرایش به خرافه‌گرایی که در این پژوهش رابطه مستقیم و معنادار به دست آمد، با پژوهش‌های دیگر همخوانی وجود دارد؛ ازجمله با نظر مالینوفسکی که گرایش انسان به خرافه‌گرایی را به این دلیل می‌داند که حیات انسان مملو از نااطمینانی و آشفتگی است و انسان‌ها برای مقابله با این فشارهای روانی و نیاز اجتناب‌ناپذیر به دین و جادو می‌آورند؛ اینگلهارت (۱۹۹۹) که معتقد است اگر در جامعه‌ای امنیت اجتماعی زیاد باشد، به کم‌رنگ‌شدن ارزش‌های سنتی و خرافه‌گرایی منجر می‌شود و بالعکس. همچنین با مطالعات روان‌شناختی یونگ (۱۳۷۱) و فروید (رابطه احساس ناامنی و

گرایش به باورهای غیرعقلانی چون خرافه‌گرایی به دلیل آرام‌بخشی این باورها، با نظریه مازلو (۱۳۹۴) که انگیزه امنیت‌طلبی را عامل گرایش به خرافه‌گرایی می‌داند و تأیید رابطه گرایش به خرافه‌گرایی و احساس ناامنی در پژوهش‌های آزادبخت (۱۴۰۲)، پرتو (۱۴۰۰)، شیخ‌علیشاهی (۱۳۹۸)، دهقانی و ابراهیمی (۱۳۹۸)، قادرزاده و غلامی (۱۳۹۴)، هانان (۲۰۱۹) و فایزا (۲۰۱۸) همخوانی دارد.

در بررسی رابطه بین متغیر میزان اضطراب و میزان گرایش به خرافه‌گرایی که در این پژوهش رابطه مستقیم و معنادار به دست آمد، با پژوهش‌های دیگر همخوانی وجود دارد؛ ازجمله با نظر مالینوفسکی (۱۳۹۸) (رابطه گرایش به جادو و خرافه برای رفع اضطراب و فشار روانی)، فوتزل (۲۰۱۱) (درگیر شدن در رفتار خرافی برای کاهش ترس از برخی رویدادهای آینده و کاهش اضطراب) و پژوهش‌های آذرمی و همکاران (۱۳۹۹)، افلاکی عربانی و همکاران (۱۳۹۹)، ظهیری‌نیا و همکاران (۱۳۹۷)، هانان (۲۰۱۹) و فایزا (۲۰۱۸).

در بررسی رابطه بین متغیر میزان ناکامی و میزان گرایش به خرافه‌گرایی که در این پژوهش رابطه مستقیم و معنادار به دست آمد، با پژوهش‌های دیگر همخوانی وجود دارد؛ ازجمله با نظر مطالعات روان‌شناختی مازلو (۱۳۹۴) (کنش‌های غیرمنطقی افراد در پاسخ به ناکامی‌ها به گرایش به خرافات منجر می‌شود)، یونگ و فروید (از دست دادن کنترل و مواجهه با تنگی‌ها، ناملایمات، تحمل‌ناپذیری‌های روحی و بن‌بست‌های زندگی به رفتار خرافی منجر می‌شود)، و پژوهش‌های افلاکی عربانی و همکاران (۱۳۹۹)، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)، ظهیری‌نیا و همکاران (۱۳۹۷)، وثوقی و خواجه‌زاده (۱۳۹۳) و فایزا (۲۰۱۸).

در بررسی تفاوت میانگین گرایش به خرافه‌گرایی برحسب جنسیت و گرایش بیشتر زنان به خرافه‌گرایی که در این پژوهش تأیید شد، در دیدگاه‌های روان‌شناختی و پژوهش‌های پرتو (۱۴۰۰)، چاکری و همکاران (۱۴۰۱)، عشایری و همکاران (۱۴۰۱)، دهقانی و ابراهیمی (۱۳۹۸)، عزیزخانی و

همکاران (۱۳۹۴)، وثوقی و خواجه‌زاده (۱۳۹۳)، عابدیان و نفری (۱۳۹۵)، فروغی و عسگری‌مقدم (۱۳۸۸)، افشانی و احمدی (۱۳۸۸)، پرتی و همکاران (۲۰۱۷) و ماتلو و همکاران (۲۰۱۶) تأیید شده است؛ ولی در پژوهش آزادبخت (۱۴۰۲) و شیخ‌علیشاهی (۱۳۹۸) این تفاوت میانگین وجود نداشته است. در بررسی تفاوت میانگین گرایش به خرافه‌گرایی برحسب گروه‌های سنی و تفاوت میانگین که حاکی از گرایش بیشتر به خرافه‌گرایی در بین افراد مسن‌تر است، با پژوهش‌های پرتو (۱۴۰۰)، شیخ‌علیشاهی (۱۳۹۸)، عزیزخانی و همکاران (۱۳۹۴) و ماتلو و همکاران (۲۰۱۶) همخوانی وجود دارد؛ ولی با پژوهش آزادبخت (۱۴۰۲) که عدم تفاوت میانگین را به دست آورده بود، همخوانی ندارد.

در بررسی تفاوت میانگین گرایش به خرافه‌گرایی برحسب میزان تحصیلات و گرایش کمتر در بین افراد با تحصیلات بیشتر با پژوهش‌های پرتو (۱۴۰۰)، دهقانی و ابراهیمی (۱۳۹۸)، عزیزخانی و همکاران (۱۳۹۴)، فروغی و عسگری‌مقدم (۱۳۸۸)، سلطانا و همکاران (۲۰۱۹) همخوانی وجود دارد و با نظریه فروید و یونگ (خرافات مسئله‌ای مربوط به گذشته و محدود به طبقات کم‌سواد نبوده، بلکه برعکس بخش جدایی‌ناپذیر ذهن همه آدمیان است) و آزادبخت (۱۴۰۲) که عدم تفاوت میانگین را به دست آورده بود، همخوانی ندارد.

در بررسی تفاوت میانگین گرایش به خرافه‌گرایی برحسب وضعیت درآمد و گرایش بیشتر کم‌درآمدها به خرافه‌گرایی با پژوهش‌های چاکری و همکاران (۱۴۰۱)، شیخ‌علیشاهی (۱۳۹۸)، دهقانی و ابراهیمی (۱۳۹۸)، کریمی و رهنما (۱۴۰۰)، سلطانا و همکاران (۲۰۱۹) و پرتی و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی وجود دارد.

در بررسی تفاوت میانگین گرایش به خرافه‌گرایی برحسب وضعیت تأهل، نمره که در نظریه‌ای خاصی بدان اشاره نشده بود، ولی در پژوهش آزادبخت (۱۴۰۲) و شیخ‌علیشاهی (۱۳۹۸) بررسی شده بود، در پژوهش حاضر تأیید شد.

می‌شود) است که عامل اصلی گسترش خرافه است.

ج) نابرابری جنسیتی و آسیب‌پذیری روانی، نقش اضطراب و ناکامی: یافته‌های مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و روانی نشان داد که زنان و افرادی که درگیر اضطراب، ناکامی و احساس ناامنی هستند، بیشتر به خرافات گرایش دارند. این موضوع با نظریه روانکاوی فروید سازگار است که خرافات را واکنش روحی در برابر ناملايمات و ناکامی‌های روانی می‌داند. جامعه‌پذیری زنان در ایران و محدودیت‌های ساختاری و اقتصادی، آنها را در معرض آسیب‌های روانی بیشتری قرار می‌دهد. خرافه در این بستر تبدیل به راه‌حل درمانی موقت و غیرعقلانی برای تخلیه تنش‌های عاطفی (مانند نظریه مالینوفسکی) می‌شود. این موضوع ریشه در تفاوت‌های ساختاری و اجتماعی دارد. از یک‌سو فشارهای روانی و عاطفی بیشتر و ازسوی دیگر، کم‌تر بودن فرصت‌ها و انزوای اجتماعی - اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز پناه‌بردن به توضیحات فرامادی برای حل مشکلات باشد.

پیشنهادهای راهبردی برای کاهش خرافه‌گرایی (راهکارهای عملی)

نهادینه‌سازی تفکر علمی در رسانه‌ها

تمرکز بر «چرایی»: رسانه‌های جمعی (به‌ویژه صداوسیما و شبکه‌های اجتماعی) باید به‌جای نادیده‌گرفتن خرافات، برنامه‌هایی با محوریت «مهارت‌های حل مسئله» و «تبیین علمی پدیده‌های ماورایی» تولید کنند. این برنامه‌ها باید به مردم آموزش دهند که چگونه تصمیم‌گیری آگاهانه را جایگزین تسلیم‌شدن در برابر تقدیر کنند.

تأکید بر «تغییر فردی»: با معرفی نمونه‌هایی از افراد توانمند که از شرایط سخت به موفقیت‌های خاصی رسیده‌اند، نشان داده شود که افراد چگونه با تلاش می‌توانند سرنوشت خود را تغییر دهند.

تقویت نهادی دینداری آگاهانه و عقلانی (مداخله

باتوجه به کلیت نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش می‌توان

نتیجه گرفت که:

الف) تقدیرگرایی سد راه توسعه ذهنی و عامل اصلی

خرافه: نتایج عمده پیشینه، نظریات و مدل‌سازی این پژوهش نشان داد که تقدیرگرایی قوی‌ترین عامل اجتماعی در گسترش خرافات است. این یافته با نظریه راجرز (1962) همخوانی کامل دارد که تقدیرگرایی را فقدان توانمندی در مهار آینده می‌داند. درواقع، در مواجهه با مشکلات اقتصادی و اجتماعی (مانند ناتوانی در دستیابی به ازدواج یا شغل مناسب)، فرد به‌جای تکیه بر تلاش و عقلانیت، مسئولیت را به قوای مافوق طبیعی واگذار می‌کند. این رویکرد، تکامل ذهنی به سمت مرحله اثباتی (پوزیتیویسم کنت) را متوقف می‌کند و فرد را در دام تبیین‌های جادویی و خرافی نگه می‌دارد. قوی‌ترین عامل در تشدید خرافات، تقدیرگرایی (باور به ناتوانی در کنترل سرنوشت) در کنار عوامل روانی (اضطراب، ناکامی و احساس ناامنی) است. این امر نشان می‌دهد که خرافات مکانیزمی دفاعی برای افراد است که در برابر عدم قطعیت‌ها و ناتوانی در مدیریت زندگی به نیروهای فرامادی متوسل می‌شوند.

ب) تأثیر بازدارنده دینداری آگاهانه و تفکیک دین از

خرافه: برخلاف برخی تصورات، دینداری در نمونه مورد مطالعه این پژوهش نه تنها موجب گسترش خرافه نشد، رابطه‌ای معناداری نیز با آن به دست نیامد. این یافته گویای آن است که اگر دینداری از جنس آگاهی، مطالعه و تعقل (همانند توصیه پیامبر اسلام در مبارزه با خرافات با سلاح عقل و منطق) باشد، به سپر دفاعی مستحکمی در برابر اوهام تبدیل می‌شود. این نتیجه قویاً پیشنهاد می‌کند که مبارزه با خرافه، نه از طریق حذف دین، بلکه با اصلاح و تعمیق فهم دینی امکان‌پذیر است، تا دینداری از دام باورهای تقلیدی سطحی (که در دام تقدیرگرایی می‌افتند) رها شود. دینداری آگاهانه اگر از فیلتر عقلانیت و مطالعه متون دینی بگذرد، درواقع سدی محکم در برابر خرافات و موهومات ایجاد می‌کند. درمقابل، تقدیرگرایی (که با دینداری تقلیدی اشتباه گرفته

فرهنگی - مذهبی)

خرافه‌گرایی در بین شهروندان شهرستان کوه‌دشت.

[پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور استان

همدان]. گنج

<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/8b5691cc7b3f98a4f2b8eed770071857>

آذرمی، ر.، فرهادی، م.، رشید، خ.، و یارمحمدی واصل، م.

(۱۳۹۹). تبیین رفتار خرافی براساس سبک‌های دلبستگی

و اضطراب در دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا. دانش و

پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۲۱(۱)، ۹۳-۱۰۰.

<https://sid.ir/paper/163751/fa>

احمدرش، ر.، دانش‌مهر، ح.، و شاکری، ش. (۱۳۹۰). بررسی

رابطه بین عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی و پایگاه اقتصادی

- اجتماعی روستاییان (بررسی موردی: بخش لاجان

شرقی، شهرستان پیرانشهر). توسعه محلی (روستائی-

شهری)، ۳(۲)، ۱۶۴-۱۴۳.

https://jrd.ut.ac.ir/article_24464.html

اسکندری، س. (۱۳۹۴). بررسی خرافات و تبیین‌های نظری

آن. در اولین کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی و

جامعه‌شناسی، آب‌ساده، شیراز.

<https://civilica.com/doc/550861>

افاضل، ر. (۱۳۹۷). بازتاب آیین‌ها، خرافات و باورهای

عامیانه در خمسه خواجه کرمانی. پژوهشنامه اورمزد،

۲، ۲۴-۴. <https://sid.ir/paper/400076/fa>

افشانی، س. ع.، و احمدی، ا. (۱۳۸۸). میزان نوگرایی و

گرایش به خرافات در شهر یزد. پژوهشنامه علوم

اجتماعی، ۱۰(۴۱)، ۵۹-۱۰۰.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/905281>

افلاکی عربانی، س.، سراج‌زاده، ح.، و جواهری، ف. (۱۳۹۹).

زمینه‌ها و پیامدهای بهره‌گیری از دعانویسی و فالگیری

مطالعه نمونه‌ای از زنان تحصیل‌کرده شهر رشت.

مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۶(۶۱)، ۹۷-۱۲۰.

https://www.jcsc.ir/article_43333.html

برگر، پ. ل.، برگر، ب.، و کلنر، ه. (۱۳۹۴). ذهن بی‌خانمان:

نوسازی و آگاهی (محمد ساوجی. مترجم). نشر نی.

برگر، پ. ل.، و لوکمان، ت. (۱۳۷۵). ساخت اجتماع

واقعی (رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت) (فرید رز

آموزش مرز دین و خرافه: حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و ائمه

جمعه باید با جدیت تمام، مرز میان دین اصیل و مبتنی بر

عقل (مانند توصیه پیامبر اسلام در استفاده از منطق) را با

باورهای عامیانه، موهوم و وارداتی تبیین کنند.

مبارزه با «دینداری تقلیدی»: تولید محتوای آموزشی و

ترویجی با محوریت مطالعه مستقیم متون دینی و اسناد مذهبی

برای کاهش اتکا به شنیده‌ها و عادات موروثی. هدف این

است که دینداری را از یک عمل صرفاً تقلیدی به انتخابی

آگاهانه و مستدل تبدیل کند.

توانمندسازی اقتصادی و کاهش نابرابری جنسیتی

افزایش استقلال زنان: باتوجه به آسیب‌پذیری بیشتر زنان، ایجاد

فرصت‌های شغلی پایدار و دسترسی آسان به منابع مالی

(وام‌های کم‌بهره برای کارآفرینی) ضروری است تا حس

کنترل‌پذیری بر سرنوشت تقویت شود و نیاز به پناه‌بردن به

توضیحات غیبی کاهش یابد یا با آموزش و توانمندسازی زنان

فعال در حوزه‌های مذهبی و اجتماعی، از آنها در شبکه‌های

اجتماعی و محافل محلی برای مبارزه با خرافات با

استدلال‌های عقلانی و دینی استفاده شود؛ زیرا تأثیرگذاری

یک زن فعال بر سایر زنان، به‌ویژه در زمینه‌های اعتقادی بسیار

بیشتر است.

سطح روانی و حمایتی (کاهش فشار روانی)

یارانه و دسترسی آسان به خدمات روان‌شناختی: تضمین

دسترسی آسان و ارزان به مشاوره و روان‌درمانی (به‌ویژه در

مناطق با آسیب‌پذیری زیاد) برای درمان مستقیم اضطراب،

ناکامی و احساس ناامنی که محرک اصلی گرایش به خرافات

به‌عنوان مکانیزم تخلیه روانی هستند.

منابع فارسی

آزادبخت، م. (۱۴۰۲). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/71777/158>

درویدی، م. (۱۳۸۸). *خرافات و کارکردهای آن در جامعه‌شناسی خرافات در ایران؛ مجموعه مقالات (۱۸۱-۱۹۸)*. مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی. <https://www.ketabnak.com/reader/31348>

دهقانی، ح.، و ابراهیمی، ح. (۱۳۹۸). مطالعه احساس امنیت روانی و اجتماعی با گرایش به خرافات: مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه اصفهان. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*، ۸(۴)، ۹۹-۱۲۲. <https://doi.org/10.22108/srsp.2020.118235.1435>

ربیعی، ک. (۱۳۹۴). توسعه اجتماعی-اقتصادی و تأثیر آن بر تلقی افراد از چرستی خرافات: مطالعه موردی شهرستان‌های استان اصفهان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶(۴)، ۱۲۹-۱۴۸. https://jas.ui.ac.ir/article_18428.html

زارع شاه‌آبادی، ا.، و ترکان، ر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و نظام ارزشی جوانان (مطالعه‌ای درباره دانشجویان دانشگاه یزد). *مطالعات اجتماعی ایران*، ۹(۱)، ۱۲۷-۱۰۳.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20083653.1394.9.1.5.8>

شاهنوشی، م. (۱۳۸۸). خرافات و برخی علل و زمینه‌های آن. *پژوهش‌نامه*، ۴۱(۱)، ۱۰۱-۱۱۶.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/905282/>

شجاعی‌زند، ع. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران. *جامعه‌شناسی ایران*، ۶(۱)، ۳۴-۶۶. https://www.jsi-isa.ir/article_25347.html

شریعتی، س. ص.، و انصافی‌مهربانی، س. (۱۳۹۵). نگاهی به خرافه‌پرستی در ایران و جهان و راهکار تربیتی مواجهه با آن. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۷(۲۶)، ۱-۲۶. <https://doi.org/10.22054/qccpc.2016.6721>

شیخ‌علی‌شاهی، ز. (۱۳۹۸). *عوامل اجتماعی فرهنگی مرتبط با گرایش به خرافات در بین زنان ساکن در مناطق حاشیه‌ای شهر یزد* [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد]. گنج. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/4b5cbe48b7e9422101ec580e23579ac3>

مجیدی، مترجم). چاپ اول. علمی و فرهنگی.

پاک‌سرشت، س. (۱۳۷۷). *میزان نوگرایی مدرنیته در بین مدیران کارگاه‌های تولیدی کوچک تهران و عوامل مؤثر بر آن* [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی تهران].

پرتو، ر. (۱۴۰۰). بررسی رابطه برخی عوامل اجتماعی با گرایش به خرافات در بین زنان ۲۰ تا ۴۰ سال ساکن شهر جیرفت [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان]. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/8d483da730ab2ddb881a6b545a039e09>

پروا، ف. (۱۳۹۶). *خرافات، فرزند ناخوانده فرهنگ*. چاپ بیستم. قطره.

جانعلی‌زاده چوب‌بستی، ح.، بابازاده‌بایی، ع.، و ابراهیمی، س. (۱۳۸۸). کاوشی جامعه‌شناختی در وضعیت خرافه‌گرایی دانشجویان. *راهبرد فرهنگ*، ۵(۵)، ۱۰۷-۱۲۸. <https://www.magiran.com/p766938>

جاهودا، گ. (۱۳۷۱). *روانشناسی خرافات* (محمدمدقی براهنی، مترجم). نو.

جواد یگانه، م. ر.، و فولادیان، م. (۱۳۹۰). تنبلی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. *جامعه‌شناسی ایران*، ۱۲(۳)، ۱۰۹-۱۳۷. <https://www.ensani.ir/fa/article/311591>

چاکری، آ.، داودی رکن‌آبادی، ا.، و شریف‌زاده، م. (۱۴۰۱). تأملی بر طلسمات دوره قاجار و اهمیت زنان در شکل‌گیری و گسترش آن‌ها. *مطالعات هنر اسلامی*، ۱۹(۴۸)، ۲۲۱-۲۳۴.

https://www.sysislamicartjournal.ir/article_142183.html

خاکپور، ژ. (۱۳۹۹). بررسی جامعه‌شناختی گرایش مردم تهران به خرافات به‌ویژه فالگیری و دعانویسی [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه البرز]. گنج. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/9bea1c5a80133bf3fba32450c93a16fa>

خالقی‌فر، م. (۱۳۸۱). بررسی ارزش‌های مادی و فرامادی جوانان تحصیل‌کرده ایرانی، عوامل مؤثر بر آن و رابطه آن با برخی از نشانگان فرهنگی. *نامه پژوهش فرهنگی*، ۷(۳)، ۱۰۷-

- صالحی امیری، س. ر. (۱۳۸۷). خرافه‌گرایی: چیستی، چرایی و کارکردها. پژوهش‌کده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1261061>
- ظهیری نیا، م.، رستگار، ی. و هادی، س. (۱۳۹۷). ارائه یک مدل پارادایمی از مراجعه زنان فالگیر در شهر زاهدان. *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۰ (۷۹)، ۱۱۵-۱۴۲. https://www.jwss.ir/article_12007.html
- عابدیان، ن. و نفری، ح. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر گرایش زنان به خرافات. *کنگره بین‌المللی توانمندسازی جامعه در حوزه مدیریت، اقتصاد، کارآفرینی و مهندسی فرهنگی*، تهران. <https://civilica.com/doc/565987>
- عباس‌زاده، م.، انصاری اوزی، ن. و بوداقتی، ع. (۱۳۹۸). مطالعه خرافه‌گرایی در میان دانشجویان با رویکرد کیفی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۸ (۴)، ۸۴۷-۸۷۲. https://jisr.ut.ac.ir/article_74888.html
- عرب‌بیگی، ع. و بیجادی، ع. (۱۳۹۷). روان‌شناسی خرافات. و انیا.
- عزیزخانی، آ.، ابراهیمی، ج. و آبتین، ج. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به خرافات (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد واحد اردبیل). *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۶ (۱۸)، ۵۳-۷۲. <https://www.noormags.ir/view/ar/articlepage/1100514/>
- عشایری، ط.، جهان‌پرور، ط. و وثوقی‌اصل، ا.، حسن‌زاده، ز. (۱۴۰۱). مطالعه عوامل مؤثر گرایش به خرافات در بین شهروندان: فراتحلیل پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۷. *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۱۱ (۲۰)، ۳۵۳-۳۵۹. <https://doi.org/10.22084/csr.2022.24441.1976>
- غلامی، ف. و قادرزاده، ا. (۱۳۹۴). تحلیل تجربه‌های زنان سنجی از فال‌گیری (مطالعه کیفی دلایل و پیامدهای فال‌گیری). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶ (۲)، ۱۰۷-۱۲۴. https://jas.ui.ac.ir/article_18402.html
- فتاحی‌زاده، ف. (۱۳۸۶). خرافه‌باوری پیرامون زن. *بانوان* ش... یعه، (۱۳-۱۴)، ۲۰۱-۲۲۳. <https://ensani.ir/fa/article/148883>
- فروغی، ع. و عسگری‌مقدم، ر. (۱۳۸۸). بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی. *راهبرد*، ۱۸ (۵۳)، ۱۶۱-۱۹۱. <https://sid.ir/paper/89263/fa>
- قلی‌پور، م. (۱۳۸۷). *مهره مار: درآمدی بر خرافه‌گرایی*. شاملو.
- کریمی، ز. و رهنما، ش. (۱۴۰۰). بررسی نقش ادعیه و اذکار در طب و طبابت دوره قاجار. *تاریخ پزشکی*، ۱۳ (۴۶)، ۱-۱۴. <https://doi.org/10.22037/mhj.v13i46.31202>
- گیدنز، آ. (۱۳۷۹). *پیامدهای مدرنیته* (محسن ثلاثی، مترجم). مرکز.
- مالینوفسکی، ب. (۱۳۹۸). *جادو، علم و دین* (بهنام خلیلیان، مترجم). چاپ سوم. جامی (مصدق).
- محمّدی اقبلاغ، س. (۱۴۰۳). بررسی رابطه ناکامی و پرخاشگری: یک مرور بر رفتارهای دانش‌آموزان. *سومین کنفرانس ملی تازه‌های روانشناسی تکاملی و تربیتی*، بندرعباس. <https://civilica.com/doc/2128730>
- مدانلو جویباری، ن.، عمادیان، س. ع. و حسن‌زاده، ر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین مهارت‌های ارتباطی و اضطراب اجتماعی در دانشجویان. *چهارمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی*، تهران. <https://civilica.com/doc/492274>
- منطقه ۱۵ شهرداری تهران. (۱۴۰۵). در ویکی پدیا. <https://fa.wikipedia.org/wiki/>
- نویدینا، م. (۱۳۸۲). *گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی*. *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۲ (۵).
- <https://www.sid.ir/paper/448362/fa>
- وارینگ، ف. (۱۳۷۱). *فرهنگ خرافات*، عجیب‌ترین خرافات مردم جهان (احمد حجاران، مترجم). حجاران.
- وثوقی، م. و خواجه‌زاده، ن. (۱۳۹۳). *بازنمایی جادو در سبک‌های نوین زندگی با تأکید بر گسترش حوزه خصوصی* (مطالعه موردی: زنان شهر دزفول). *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۷ (۱)، ۲۱-۳۶. <https://sanad.iau.ir/Journal/jisds/Article/821508>
- وکیلی، ه. (۱۳۸۵). *خرافه‌پردازی: خاستگاه و نقد آن*. کتاب

- measure to assess Indian superstitions. *Journal of Beliefs & Values*, 40(2), 205-214. <https://doi.org/10.1080/13617672.2019.1570452>
- Antipov, E. A., & Pokryshevskaya, E. B. (2020). Impact of superstitious beliefs on the timing of marriage and childbirth: Evidence from Denmark. *Judgment and Decision Making*, 15(5), 756-782. <https://doi.org/10.1017/S1930297500007919>
- Arabbeigi, A., & Bijad, A. (2018). *Psychology of Superstitions*. Vania Publications. [In Persian].
- Ashayeri, T., Jahanparvar, T., Vosoghi, A., & Hassanzadeh, Z. (2022). Studying the effective factors of tendency towards superstitions among citizens: Meta-analysis of researches from 2009 to 2018. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 11(20), 359-393. [In Persian]. <https://doi.org/10.22084/csr.2022.24441.1976>
- Azadbakht, M. (2023). *Study of Sociological Factors Affecting Superstition among the Citizens of Kohdasht City* [Master's thesis, Payam Noor University of Hamadan Province]. Ganj. [In Persian]. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/8b5691cc7b3f98a4f2b8eed770071857>
- Azarmi, R., Farhadi, M., Rashid, K. H., & Yarmohamdivasel, M. (2020). Explaining superstitious behavior based on attachment styles and anxiety in the students of Bu Ali Sina University. *Knowledge and Research in Applied Psychology*, 21(1), 93-100. [In Persian]. <https://sid.ir/paper/163751/en>
- Azizkhani, A., Ebrahimi, J., & Abtin, J. (2015). Investigating social factors affecting the tendency towards superstition (Case study: Students of Azad University, Ardabil Branch). *Quarterly Journal of Sociological Studies of Youth*, 6(18), 53-72. [In Persian] <https://www.noormags.ir/view/ar/articlepage/1100514>
- Berger, P. L., & Berger, B., & Kellner, H., (2015). *The Homeless Mind: Modernization and Consciousness*. Random House.
- Berger, P. (2005). *Against the Current: A Critique of the Theory of Secularization*. In "Challenges of Religion and Modernity: Sociological Discussions on Religiosity and Secularization" (S. H. Serajzadeh, Trans.). Tarh-e-No. [In Persian].
- Berger, P. L., (1997). *Redeeming Laughter: The Comic Dimension of Human Experience*. Boston University.
- Berger, P. L., & Lukman, T. (1996). *The Social Structure of Reality (A Treatise on the Sociology of Knowledge)* (F. Majidi. Trans.; First edition). Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian].
- Campbell, C. (1996). Half-belief and the paradox of ritual instrumental activism: A theory of modern superstition. *The British Journal of Sociology*, <https://elmnet.ir/doc/781883-51601>, ۸۵-۹۶، (۴۰)، نقد، هانتینگتون، س. (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی (محسن ثلاثی، مترجم). نی.
- یوسف‌وند، ف. (۱۳۹۵). بررسی علل اجتماعی و فرهنگی گرایش مردم به خرافات در شهر الشتر [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان]. گنج. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/34bf7a74314911935eca703c75b6bcec>
- ### References
- Abbaszadeh, M., Ansariozi, N., & Boudaghi, A. (2020). The study of superstitionism among students with qualitative approach. *Social Studies and Research in Iran*, 8(4), 847-872. [In Persian]. <https://doi.org/10.22059/jisr.2019.266090.748>
- Abedian, N., & Nafari, H. (2016). Factors influencing women's tendency towards superstitions. *International Congress on Community Empowerment in the Field of Management, Economics, Entrepreneurship and Cultural Engineering*, Tehran. [In Persian]. <https://civilica.com/doc/565987/>
- Afazel, R. (2018). Reflection of rituals, superstitions and folk beliefs in Khaju Kermani's Khamseh. *Ormazd Research Journal*, 2, 4-24. [In Persian]. <https://sid.ir/paper/400076/fa>
- Afshani, S. A., & Ahmadi, A. (2009). The level of modernity and tendency towards superstition in the city of Yazd. *Journal of Social Sciences*, 10(41), 59-100. [In Persian]. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/905281>
- Aflaki Arbani, S., Serajzade, H., & Javaheri, F. (2021). Backgrounds and consequences application of prayer healing and divination sample study of educated women in Rasht. *Cultural Studies & Communication*, 16(61), 97-120. [In Persian]. <https://doi.org/10.22034/jcsc.2020.104632.1865>
- Ahmadrash, R., Daneshmehr, H., & Shakeri, S. (2012). On the relationship between peasants (Dehghan) sub-cultural elements and the villagers' socio-economic status (Eastern Lajan region case study). *The Journal of Community Development (Rural-Urban)*, 3(2), 143-164. [In Persian]. https://jrd.ut.ac.ir/article_24464.html
- Alexander, N., & Costandius, E. (2020). Recognizing religious and superstitious rituals within higher education contexts: A case study of Stellenbosch University, South Africa. *International Journal of Sociology and Anthropology*, 12(1), 10-17. <https://academicjournals.org/journal/IJSA/article-full-text/2D5A87763261>
- An, S., Kapoor, N., Setia, A., Agiwal, S., & Ray, I. (2019). The Indian superstition scale: Creating a

- Halla, M., Lun Liu, C. H., & Liu, J. T. (2019). *The Effect of Superstition on Health: Evidence from the Taiwanese Ghost Month* (IZA Discussion Paper No. 12066). IZA Institute of Labor Economics Initiated by Deutsche Post Foundation. <https://www.iza.org/publications/dp/12066/the-effect-of-superstition-on-health-evidence-from-the-taiwanese-ghost-month>
- Hannan, C. H. E. (2019). Very Superstitious: The Relationship between Desperation and Superstitious Behavior. *Murray State Theses and Dissertations*, 145, 1-62. <https://digitalcommons.murraystate.edu/etd/145>
- Huntington, S. (1991). *Political Order in Changing Societies* (M. Salasi, Trans.). Nay Publishing. [In Persian].
- Inglehart, R. (1994). *Cultural Evolution in an Advanced Cultural Society* (M. Vetter, Trans.). Kavir Publications. [In Persian].
- Inglehart, R. (1999). *Modernization and Post Modernization: Cultural, Economic, and Political Change in 43 Societies*. Princeton University Press.
- Inglehart, R. (2016). *Cultural Evolution: People's Motivations are Changing, and Reshaping the World*. Cambridge University Press.
- Inkeles, A., & Smith, D. H. (1974). *Becoming modern: Individual Change in Six Developing Countries*. Harvard University Press.
- Jahoda, G. (1992). *The Psychology of Superstitions* (M. N. Baraheni, Trans.). No Publications. [In Persian].
- Janalizadeh Choubbasti, H., Babazadehbai, A., & Ebrahimi, S. (2009). A sociological exploration of the state of students' superstition. *Cultural Strategy*, (5), 107-128. [In Persian]. <https://www.magiran.com/p766938>
- Javadi Yeganeh, M. R., & Fouladian, M. (2011). Social loafing and factors affecting it. *Iranian Journal of Sociology*, 12(3), 109-137. [In Persian]. <https://www.ensani.ir/fa/article/311591>
- Karimi, Z., & Rahnama, S. (2021). Investigating the role of prayer and recitation in medicine and medicine of the Qajar period. *Tarikhe Phezeshki*, 13(46), 1-14. [In Persian]. <https://doi.org/10.22037/mhj.v13i46.31202>
- Khakpour, Z. (2019). *A Sociological Study of the Tendency of Tehran People Towards Superstitions, Especially Fortune Telling and Prayer Writing* [Master's thesis, Alborz University]. [In Persian].
- Khaleghifar, M. (2002). A study of the material and metamaterial values of Iranian educated youth, the factors affecting them and their relationship with some cultural indicators. *Cultural Research Letter*, 7(3), 107-158. [In Persian]. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/71777/>
- Madanlou Jouybari, N., Emadian, S. O., & Hassanzadeh, R. (2015). Investigating the 47(1), 151-166. <https://doi.org/10.2307/591121>
- Chakeri, A., Davoodi Roknabadi, A., & Sharifzadeh, M. (2014). A reflection on the amulets of the Qajar period and the importance of women in their formation and development. *Islamic Art Studies*, 19(48), 279-298. [In Persian]. https://www.sysislamicartjournal.ir/article_142183.html
- Collins Dictionary. (n. d). Superstition. In *Collins Dictionary.com*. from <https://www.collinsdictionary.com/dictionary/english/superstition>
- Dehghani, H., & Ebrahimi, H. (2019). Studying the feeling of social and psychological security with a tendency toward superstition (Case study: Isfahan University Students). *Strategic Research on Social Problems*, 8(4), 99-122. [In Persian]. <https://doi.org/10.22108/srsp.2020.118235.1435>
- Dorudi, M. (2009). *Superstitions and Their Functions in the Sociology of Superstitions in Iran. Collection of Articles (181-198)*. Expediency Discernment Council, Strategic Research Institute, Cultural and Social Research Group. [In Persian]. <https://www.ketabnak.com/reader/31348>
- Eisenstadt, S. (2000). *Multiple Modernities*. Transaction Pub.
- Eskandari, S. (2015). A study of superstitions and their theoretical explanations. In *the First International Conference on Social Sciences and Sociology*. Abadeh, Shiraz [In Persian]. <https://civilica.com/doc/550861>
- Faiza, A. (2018). Social and psychological factors for superstition: A brief literature Review. *International Journal of Advance Study and Research Work*, 1(5), 2581- 5997. <https://www.ijasrw.com/pdf/August18/ij11.pdf>
- Fattahizadeh, F. (2007). Superstitions about women. *Shiite Women*, (13-14), 201-223. [In Persian]. <https://ensani.ir/fa/article/148883>
- Foroughi, A., & Asgari-Moghaddam, R. (2010). The study of tendency for superstition among Tehran's citizens. *Strategy*, 18(53), 161-191. [In Persian]. <https://sid.ir/paper/89263/en>
- Futrell, B. (2011). A closer look at the relationship between superstitious behaviors and trait anxiety. *Rollins Undergraduate Research Journal*, 5(2), 12-30. <https://scholarship.rollins.edu/rurj/vol5/iss2/5>
- Gholami, F., & Ghaderzadeh, O. (2015). An analysis of womens experiances of the augury (A qualitative study of reasons and consequences of augury). *Journal of Applied Sociology*, 26(2), 107-124. [In Persian]. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20085745.1394.26.2.7.3>
- Gholipour, M. (2008). *Snake's Bead: An Introduction to Superstition*. Shamloo Publications. [In Persian].
- Giddens, A. (1990). *The Consequences of Modernity*. Stanford University Press.
- Giddens, A. (1990). *The Consequences of Modernity* (M. Salasi, Trans.). Markaz. [In Persian].

- prod/bibliographic/1261061
- Shahnoshi, M. (2009). Superstitions and some of its causes and contexts. *Journal of Research*, (41), 101-116. [In Persian]. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/905282/>
- Shariati, S. S., & Ensafi-Mehrbani, S. (2016). A look at superstition in Iran and the world and the educational solution to confront it. *Quarterly Journal of Counseling and Psychotherapy Culture*, 7(26), 1-26. [In Persian]. <https://doi.org/10.22054/qccpc.2016.6721>
- Sheikh Alishahi, Z. (2019). *Sociocultural Factors Related to the Tendency Towards Superstition among Women Living in the Marginal Areas of Yazd City* [Master's thesis, Yazd University]. Ganj. University [In Persian]. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/4b5cbe48b7e9422101ec580e23579ac>
- Shojaei Zand, A. (2005). A model for measuring religiosity in Iran. *Iranian Sociology*, 6(1), 34-66. [In Persian]. http://www.jsi-isa.ir/article_25347.html
- Sriram, A. (2018). *An Investigation of Television Programs that Illustrates Superstition and Its Effect on Viewers*. Anthropological Researches and Studies (ARS). <https://doi.org/10.26758/8.1.28>
- Suganda, T. R., Sumargo, E. K., & Robiyanto, R. (2020). Superstitious behavior and stock returns: The case of Javanese traditional calendar. *Journal of Social Sciences*, 41(2), 345-350. <https://doi.org/10.1016/j.kjss.2018.08.008>
- Sultana, Z., Chowdhury, L., & Shapla, N. R. (2019). Study on superstitions related to pregnancy. *Journal of National Institute of Neurosciences Bangladesh*, 5(2), 172-176. https://www.researchgate.net/publication/336043649_Study_on_Superstitions_Related_to_Pregnancy
- Tehran Municipality District 15 (1405). In *Wikipedia*. [In Persian] <https://fa.wikipedia.org/wiki>
- Vakili, H. (2006). Superstition: Its origin and criticism. *Book of Criticism*, (40), 85-96. [In Persian]. <https://elmnet.ir/doc/781883-51601>
- Vosoughi, M., & Khajehzadeh, N. (2015). The representation of magic in modern lifestyles with emphasis on the expansion of private sphere (Case of study: Women in Dezful City). *Iranian Journal of Social Development Studies*, 7(1), 21-36. [In Persian]. <https://sanad.iau.ir/en/Journal/jisds/Article/821508>
- Waring, F. (1992). *The Culture of Superstitions, The Strangest Superstitions of the World's People* (A. Hajjaran, Trans.). Hajjaran Publications. [In Persian].
- Yousefvand, F. (2016). *Investigating the Social and Cultural Causes of People's Tendency Towards Superstitions in the City of Al-Ashtar* [Master's thesis, University of Kashan]. Ganj. [In Persian]. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/34bf7a74314911935eca703c75b6bcec>
- relationship between communication and social skills among university students. *4th International Conference on Psychology and Social Sciences*, Tehran. [In Persian]. <https://civilica.com/doc/492274>
- Malinowski, B. (2019). *Magic, Science and Religion* (B. Khalilian, Trans.; 3rd edition). Jami (Mossadegh) Publications. [In Persian].
- Malinowski, B. (1954). Science, religion and reality. In J. Needham (Ed.), *Magic, Science and Religion, and Other Essays* (pp. 19-87). Doubleday. <https://archive.org/details/magicsciencereali00mali>
- Mohammadi Aghbolagh, S. (2024). Investigating the relationship between frustration and aggression: A review of student behaviors. *Third National Conference on Advances in Developmental and Educational Psychology*, Bandar Abbas. [In Persian]. <https://civilica.com/doc/2128730>
- Mutlu, T. O., Öntürk, Y., Zorba, E., Karafil, A. Y., Yıldız, M., & Kartal, R. (2016). Analysis on some superstitious behaviors of university students engaging in tennis. *Batman University Journal of Life Sciences*, 6(1), 317-330. <https://dergipark.org.tr/tr/pub/buyasambid/issue/29813/320674>
- Navidnia, M. (2003). A discourse on social security. *NAJA Social Affairs Office*, 2(5). [In Persian]. <https://www.sid.ir/paper/448362/fa>
- Pakseresht, S. (1998). *The Degree of Modernity among Managers of Small Manufacturing Workshops in Tehran and the Factors Affecting It* [Master's thesis, Allameh Tabatabaei University of Tehran]. [In Persian].
- Parto, R. (2021). *Investigating the Relationship Between Some Social Factors and the Tendency Towards Superstition among Women Aged 20 to 40 Living in Jiroft City* [Master's thesis, Shahid Bahonar University of Kerman]. [In Persian].
- Parva, F. (2017). *Superstition, the Illegitimate Child of Culture*. 20th edition. Qatra Publishing. [In Persian].
- Preeti, S. H., & Naz, S. (2017). Superstitious beliefs and happiness: A correlation study of young adults. *Journal of Economic Research*, 14(20), 583-594. https://www.academia.edu/52251096/Superstitious_Beliefs_and_Happiness_A_Correlation_Study_of_Young_Adults
- Rabiei, K. (2016). Socio-economic development and its effect on individuals' perception of the essence of superstition: Case study of counties in Isfahan province. *Applied Sociology*, 26(4), 129-148. [In Persian]. https://jas.ui.ac.ir/article_18428.html
- Rogers, E. M. (1962). *Diffusion of Innovations*. Free Press.
- Salehi Amiri, S. R. (2008). *Superstition: Nature, Causes, and Functions*. Expediency Discernment Council, Center for Strategic Research. [In Persian]. <http://opac.nlai.ir/opac->

evaluation of relationship between social security and value system of adolescent (Case study: Students of Yazd University). *Journal of Iranian Social Studies*, 9(1), 103-127. [In Persian]. http://www.jss-isa.ir/article_21258.html

Zahirinia, M., Rastegar, Y., & Hadi, S. (2018). A paradigmatic model of women's referral to the fortuneteller in Zahedan City. *Women's Strategic Studies*, 20(79), 115-142. [In Persian]. https://www.jwss.ir/article_120071.html

Zare Shahabadi, A., & Turkan, R. (2015). An